



## فصلنامه حسابداری خیره

شماره ۵ / بهار ۱۴۰۱ / قیمت ۵۰۰۰ تومان

در این شماره می‌خوانید:

آیا تملک و خرید و فروش رمزارزها مجاز است؟

ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال

تاثیر ارز دیجیتال بر مقررات ارز (پول) سنتی

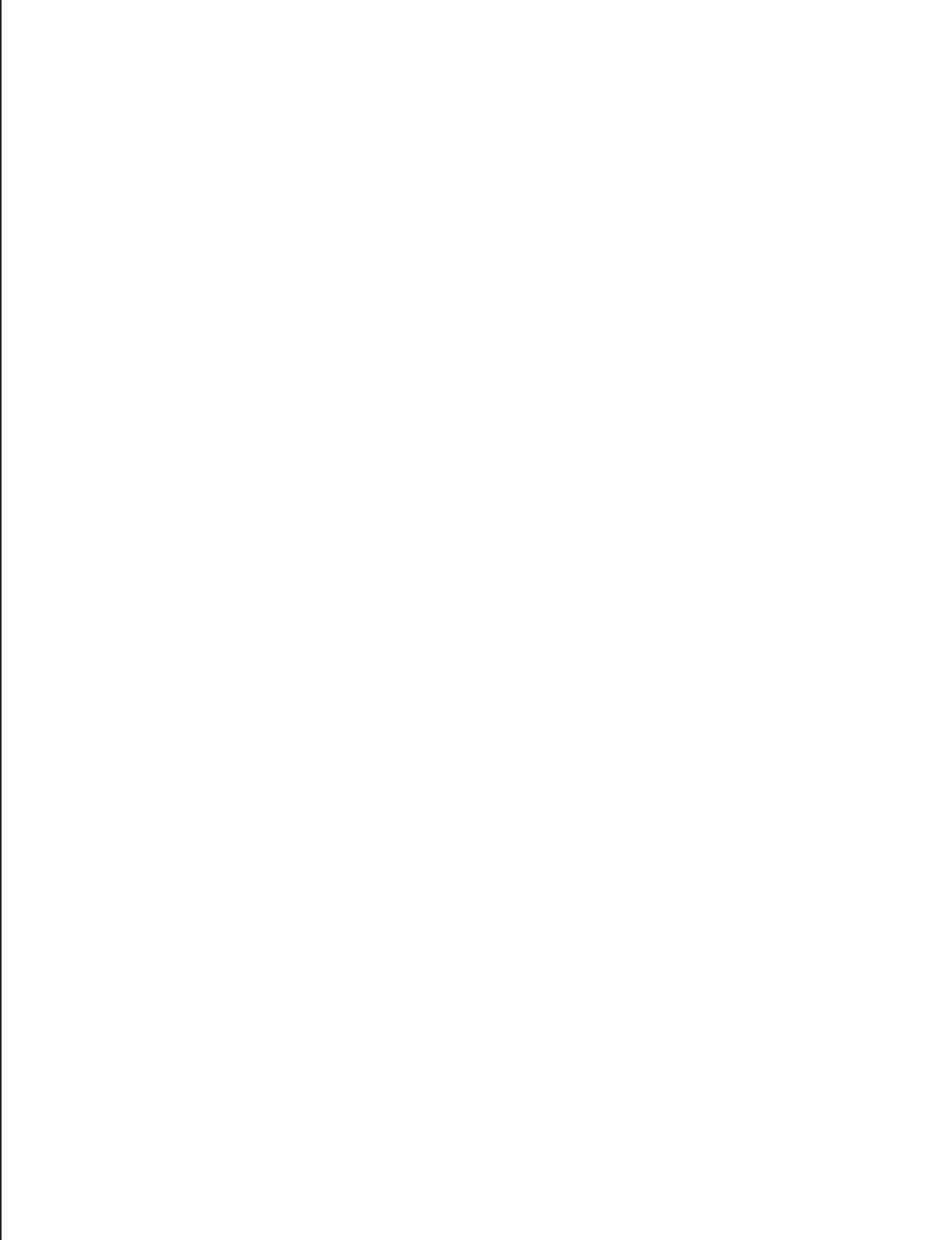
مالیات بر توهم

صندوق تامین اجتماعی یا شیشه عمر بیمه‌شدگان

ضمانت‌نامه بانکی و کاربرد آنها در قراردادها و معاملات

ده فرمان مالیاتی: مالیات سنتی با کدامین اهداف؟

سرمایه‌گذاری بلندمدت در ارزهای دیجیتال







به نام خدا

۲۴ صندوق تامین اجتماعی یا  
شیشه عمر بیمه شدگان



۲۷ ضمانت‌نامه بانکی و کاربرد  
آنها در قراردادها و معاملات



۳۰ ده فرمان مالیاتی: مالیات  
ستانی با کدامین اهداف؟



۳۶ سرمایه‌گذاری بلندمدت در  
ارزهای دیجیتال



۲ آیا متملک و خرید و فروش  
رمزارها مجاز است؟



۶ ریسک‌های سرمایه‌گذاری در  
ارزهای دیجیتال



۱۲ تاثیر ارز دیجیتال بر مقررات  
ارز(پول) سنتی



۱۹ مالیات بر توهم



نشانی:

تهران-نارمک-جویبار غربی-پلاک-۲-طبقه اول- واحد ۳  
تلفن / فاکس: ۷۱۳۳۳۳۲۲

چاپ: ایران کهن ۸۳۴۴۳۸۷

فصلنامه حسابدار خبره / بهار ۱۴۰۱ / شماره ۵

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابوالفضل طاهری

سردبیر: ابوالفضل طاهری

گرافیک و صفحه‌آرایی: بهروز مجیدی



نقل مطالب با ذکر ماخذ آزاد است  
مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده است  
نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است  
مقالات و نظرات خود را به نشانی دفتر نشریه ارسال کنید  
مقالات روی یک طرف برگ A4 نوشته شود  
متن اصلی مقالات ترجمه شده به پیوست ارسال شود  
مقالات وارده پس داده نخواهد شد.



## آیا بر اساس مبانی قانونی و فقهی تملک و خرید و فروش رمزارزها مجاز است؟

انجمن بلاک چین ایران با انتشار مقاله‌ای در وبسایت رسمی خود به اتفاقات اخیر بازار ارزهای دیجیتال در ایران واکنش نشان داد. متن کامل این مقاله را در ادامه می‌خوانید: با توجه به این که در روزهای اخیر، مطالب پراکنده و بعضاً متناقضی از سوی مراجع ذی‌ربط در رابطه با مسائلی حقوقی مرتبط با مالکیت و تبادل رمزارزها و موضوع مجاز بودن یا غیر مجاز بودن آن منتشر و یا در رسانه‌ها اعلام شده است و اقدامات اجرایی غیرسازنده‌ای نیز توسط نهادهای اجرایی دولتی مبتنی بر این استدلال‌ها ممکن است به زودی اجرا شود، کارگروه تبادل انجمن فناوری‌های زنجیره بلوک با همکاری تیم حقوقی مجربی که زیر نظر جناب آقای دکتر عرفان لاجوردی (وکیل پایه یک دادگستری) فعالیت می‌نمایند، این مقاله حقوقی را برای پاسخ به مهمترین پرسش‌های حقوقی مرتبط با این موضوع، تهیه و منتشر کرده است.

لازم به ذکر می‌باشد که منابع و مراجع موجود در این مقاله، شامل مستندات، قوانین موضوعه و همینطور اعلامات مراجع رسمی می‌باشد و طبیعتاً شامل مستنداتی نیست که به ادعای مقامات مسئول محرمانه هستند و هرگز به صورت عمومی منتشر نشده‌اند. امری که امکان هرگونه ارجاع و شمول آن‌ها را در این مقاله، ناممکن ساخته است.



## آیا رمزارزها مال محسوب می‌شوند؟

از رویکرد حقوقی، مال چیزی است که ارزش داد و ستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگر داده می‌شود و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد (امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۶، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ نوزدهم، بهار ۱۳۷۷) معیار تمییز این ارزش نوعی است و در اختیار عرف است یعنی هر چیزی که در بازار معادل مبلغی پول است از رویکرد حقوقی مال محسوب می‌شود.

از رویکرد فقهی، مال عبارت است از «ما یبذل بازائه مال» یعنی آن است که به ازش مال بذل می‌شود. همین‌طور گفته شده است مال، یعنی، «ما یرغب إليه العقلاء»؛ یعنی، آنچه عقلاً به آن رغبت می‌کنند، مال قلمداد می‌شود. امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) استدلال نموده‌اند، کسانی که مالیت را در بیع معتبر می‌دانند، این مالیت عند جمیع العرف ملاک نیست، مالیت عند طائفة خاص ملاک نیست، حتی اگر در نزد یک شخص مالیت داشته باشد آن هم کفایت می‌کند. محقق ابروانی نیز در تعریف مال، دو ملاک را مطرح می‌کند: «حاجه الناس إليه»، یعنی، مال چیزی است که مردم در امور دنیوی یا امور اخروی احتیاج داشتند، مثلاً خود قبر با قطع نظر از مردن و امور اخروی چه ارزشی دارد که آدم قبلاً اینجا را بخرد، آن هم زیر زمین؟ دل زمین را بخواهد برای خودش بخرد، برای اینکه در امور آخرت و برای مردنش نیاز دارد. ایشان این توسعه را داده و می‌گویند آنچه مردم به آن احتیاج دارند در امور دنیا یا در امور آخرتشان.

شرط دوم عبارت است از «عدم امکان الوصول إليه بلا إعمال عمل»؛ یعنی، مال آن است که انسان، بدون اینکه عملی را انجام بدهد به او نرسد. (آیت الله محمدجواد فاضل لنگرانی، درس خارج فقه، کتاب البیع براساس تحریرالوسیله، شرایط عوضین، جلسه پنجم، ۱۳۹۴/۶/۳۱)

بنابر تعریف حقوقی و فقهی مذکور در فوق، در مال بودن رمزارزها تردیدی نیست؛ زیرا

– رمزارزها، از نظر اقتصادی ارزش مبادله دارند؛

– عرف داخلی و عرف بین‌المللی آن‌چنان رغبت و تمایلی به رمزارزها از خود نشان داده است که امروز ارزش بازار جهانی آن بالغ بر ۲۵۳۰ میلیارد دلار است.

– مردم، برای خرید رمزارزها، مالی پرداخت می‌کنند که ممکن است شامل ریال، ارز و یا رمزارز دیگری باشد؛

– از رمزارزها برای پاسخ به نیازهای دنیوی، از جمله سرمایه‌گذاری، توسعه فن‌آوری و یا پرداخت‌های خارجی استفاده

می‌شوند؛ و در نهایت

– تملک رمزارزها، نیاز به فعالیت انسانی دارد که در استخراج و یا تبادل تجاری متجلی می‌شود.

## آیا خرید و فروش رمزارزها براساس موازین عمومی قانونی و فقهی مجاز است؟

براساس ماده- ۱۰ قانون مدنی «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است»

منظور از قراردادهای خصوصی، تراضی به هر گونه تعهد انتقال، ترک فعل معین، فعل معین، و اسقاط آن است؛ و در صورتی که در الزامی بودن قانون معینی تردید گردد، اصل بر عدم الزامی بودن است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۹، صص ۲۴۹، ۲۶۰)

برخی گمان می‌کنند این اصل در حقوق ما پیشینه تاریخی ندارد و نویسندگان قانون مدنی از قانون مدنی فرانسه الهام گرفته‌اند، در صورتی که فقهای ما دست کم در مبحث شرط از همین اصل پیروی کرده‌اند. گروهی از مفسران و فقیهان نیز وفای به همه عقود را که برخلاف اخلاق و عقل و شرع نباشد را واجب دانسته‌اند؛ «ابن زید و زید بن اسلم گویند: مقصود پیمان‌هایی است که مردم با یکدیگر یا با خود می‌بندند مانند عقد زناشویی و بیع و عهد و قسم و...» و یا برخی به نقل از ابن عباس و جماعتی از مفسران گویند: ای مؤمنان به عهدها و قراردادهای وفا کنید.

بنابر مفاد قانون مدنی و نظرات فقهی مذکور در فوق

– مبادله رمزارزها، براساس ماده ۱۰ قانون مدنی، اصل آزادی قراردادهای و قاعده اوفوا بالعقود، مجاز است؛ مگر آن‌که قانونی تصریحاً مبادله رمزارز را ممنوع نموده باشد.

## آیا خرید و فروش رمزارزها در چارچوب رگولاتوری (تنظیمی بازار) مجاز است؟

– تصویب‌نامه شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۶۳۷ ه مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۳ هیات محترم وزیران

براساس بند ۱ تصویب‌نامه هیات محترم وزیران، «استفاده از رمزارزها، صرفاً با قبول مسوولیت خطرپذیری (ریسک) از سوی متعاملین صورت می‌گیرد و مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نبوده و استفاده از آن در مبادلات داخل کشور مجاز نیست.»

مفاد مصوبه هیات محترم وزیران دلالت بر امور ذیل دارد:

الف- استفاده و خرید و فروش رمزارز مجاز است.

ب- دولت و نظام بانکی ارزش ذاتی رمزارز را تضمین نمی‌کند.

عدم تضمین مذکور، در برابر تعهد به تضمین ریال، به عنوان ارز رایج کشور است. مستند به بند ۱ ماده ۵ قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ و اصلاحات بعدی، «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باید برابر صددرصد اسکناس های منتشر شده همواره پشتوانه در اختیار داشته باشد»

بنابراین، از آن جهت که بانک مرکزی، برخلاف ریال، ارزش ذاتی رمزارزها را تضمین نمی کند، تعهدی به حفظ پشتوانه برای رمزارزها ندارد.

ج- استفاده از رمزارزها برای مبادلات داخلی کشور مجاز نیست.

این ممنوعیت از حرف «الف» ماده ۳ قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ و اصلاحات بعدی، ناشی می شود که مقرر داشته است «امتیاز انتشار پول رایج کشور در انحصار دولت است و این امتیاز با رعایت مقررات این قانون منحصرأ به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واگذار می شود».

براساس مستندات قانونی مورد اشاره، افراد مجاز نیستند در معاملات داخلی، از رمزارز، به عنوان واسطه ارزش یا وسیله پرداخت استفاده نمایند؛ اما، ممنوعیت استفاده از رمزارز به عنوان وسیله پرداخت، به معنای ممنوعیت تملک و مبادله رمزارز به عنوان مال نیست؛ چه آن که صدر بند ۱ تصویب نامه هیات وزیران بر جواز تملک و مبادله با قبول مسوولیت خطرپذیری دلالت دارد.

- دستورالعمل اجرایی موضوع مواد ۴ و ۵ تصویب نامه شماره ۳۹۲۲۸/ت/۵۷۳۷۳ ه مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۵ هیات محترم وزیران

براساس دستورالعمل اجرایی مورد اشاره، هدف از تنظیم دستورالعمل عبارت است از «تعیین تکلیف، ساماندهی شفاف سازی فعالیت دستگاه های استخراج رمزارز (ماینر) که بدون رعایت و تشریفات قانون به داخل کشور وارد شده است».

- دستورالعمل مذکور، هیچ گونه حکمی درخصوص ممنوعیت تملک و خرید و فروش رمزارز مقرر ننموده است؛ و در عین حال، تلویحا، دلالت بر قانون بودن تملک و خرید و فروش رمزارز دارد؛ زیرا محصول فعالیت دستگاه های استخراج، رمزارز است که بنابر توضیحات مذکور در فوق، مال محسوب می شود؛ و جواز معامله آن از ماده ۱۰ قانون مدنی، اصل آزادی قراردادهای، منابع معتبر فقهی و دستورالعمل تصویب نامه شماره ۵۸۱۴۴/ت/۵۵۶۳۷ ه مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۳ هیات محترم وزیران استنباط می شود؛ چه آن که بی معناست، قانون گذار استفاده از دستگاه استخراج را قانونی بداند؛ اما، مالیت محصول ناشی از استخراج، یعنی رمزارز را انکار نماید.

### آیا مسدودسازی درگاه های پرداخت رمزارزها مجاز است؟

- بی اعتباری نامه شاپرک درخصوص مسدود نمودن درگاه های پرداخت خرید و فروش رمزارز:

شاپرک وفق نامه شماره ۱۲۵۸۳/ص/۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۲، خطاب به شرکت های پرداخت یار مقرر نمود «ضروری است ضمن دقت در رعایت مستمر عدم ارائه خدمات به کسب و کارهای نامتعارف و خلاف قوانین جمهوری اسلامی ایران، بلافاصله پس از دریافت این نامه، نسبت به قطع خدمات پرداخت الکترونیک







به پذیرندگان پشتیبانی شده که کالا یا خدمات مغایر با قوانین جمهوری اسلامی ایران و الزامات و قوانین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارائه می نمایند (مانند و نه محدود به فروش رمزارز، فروش...، سایت های شرط بندی و قمار و...) اقدام و نتیجه را به شرکت شاپرک اطلاع رسانی نماید.»

نامه مذکور با موازین قانونی منطبق نیست؛ زیرا:

الف- براساس جواز معامله رمزارزها، مستنبط از ماده ۱۰ قانون مدنی، اصل آزادی قراردادها، منابع معتبر فقه و تصویب نامه شماره ۵۵۶۳۷/ت/۵۸۱۴۴ هـ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۳ هیات محترم وزیران، ادعای مخالفت این معاملات با قوانین جمهوری اسلامی ایران، نادرست است.

ب- اختیارات و صلاحیت های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، براساس قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ و اصلاحات بعدی، تعریف می شود؛ این صلاحیت ها در مواد ۱۰ تا ۱۵ قانون مذکور به تفصیل بیان شده است؛ و هیچ یک از مفاد مذکور، دلالتی بر صلاحیت های تقنینی و یا اجرایی بانک مرکزی، در حوزه رمزارزها ندارد.

نکته حائز اهمیت آن است که دستگاه قضایی در جریان رسیدگی به تخلفات ادعایی ارزی بانک مرکزی، حتی درخصوص عرضه ارز که از صلاحیت های روشن بانک مرکزی است، تصمیم بانک مرکزی را در فروش ارز، بدون مصوبه شورای پول و اعتبار، مصداق تخلف تشخیص داد؛ و بر همین اساس کیفرخواست تنظیمی با جلب به دادرسی رئیس کل وقت بانک مرکزی به دادگاه ارجاع گردید.

بنابراین، بانک مرکزی، در نبود صلاحیت قانونی مشخص مجاز نمی باشد، معاملات معموله و خدمات ارائه شده به افراد را ممنوع و یا محدود نماید.

بی اعتباری مصوبه ادعایی شورای عالی مبارزه با پولشویی درخصوص ممنوعیت مبادله رمزارزها

حسب اظهارات پاره ای مسوولان محترم بانک مرکزی، ادعا گردیده است، شورای عالی مبارزه با پولشویی، مبادله رمزارزها را ممنوع کرده است؛ منصرف از آن که باوجود درخواست های مکرر ذی نفعان بازار، مصوبه ادعایی منتشر نشده و چنین به نظر می رسد که اصل تصویب آن نیز امری استنباطی بوده است؛ معهدا وفق بند ۲ ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی، مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۲، شورای عالی مبارزه با پولشویی، مجاز به وضع مقررات و یا تصویب آئین نامه ها نمی باشد؛ و تصویب مقررات در این زمینه، در زمره صلاحیت های

هیات محترم وزیران است.

بنابراین مصوبه ادعایی شورای عالی مبارزه با پولشویی، تاثیری در جواز خرید و فروش رمزارزها، ناشی از تصویب نامه شماره ۵۵۶۳۷/ت/۵۸۱۴۴ هـ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۳ هیات محترم وزیران، ندارد.

مغایرت بستن درگاه های پرداخت با نظریات اداره کل حقوقی قوه قضائیه

براساس نظریه مشورتی شماره ۲۴۴۲/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، «انجام معامله و داشتن حساب بانکی از جمله حقوق مدنی هر شخص است و اصولا باتوجه به اصل بیست و دوم قانون اسای نمی توان کسی را از این حقوق محروم نمود.»

حتی درخصوص محکومان کیفری نیز نظریه شماره ۸۶۰/۷ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۸ مقرر داشته است، باوجود محکومیت کیفری، نمی توان افراد را ممنوع المعامله نمود؛ مگر آن که ممنوع المعامله شدن فرد در حکم قضایی تصریح شده باشد.

بنابراین محدودیت دسترسی به درگاه های پرداخت، ممانعت از حق مدنی افراد، مغایر با اصل بیست و دوم قانون اساسی و برخلاف نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه است.



## ریسک های سرمایه گذاری در ارزهای دیجیتال

امیرحسین صادق الحسینی

آموزش دیدن شما در مورد ریسک و مدیریت سرمایه، شما رو یک قدم از بقیه جلوتر می برد. با دانستن میزان تحمل ریسک، می توانید یک استراتژی داشته باشید که از شما و دارایی تان محافظت کند. ریسک های بازار ارزهای دیجیتال جنبه های مختلفی دارد که در اینجا به چند نمونه اشاره می کنیم:

### ریسک احساسی

فکر اینکه می توانید با معامله ارز دیجیتال ماشین رویاهایتان را بخرید خوب و سوسه جذابی است. اما این سکه روی دیگری هم داره. علت اینکه اغلب افرادی که وارد دنیای ارزهای دیجیتال می شوند، دچار این نوع هیجان و خطراتی که در پی دارد می شوند این است که دانش کافی در مورد زمینه ای که وارد آن شدند را کسب نکرده اند و صرفاً بر پایه اخبار و هیجانات جامعه وارد این حوزه شدند. یکی از مثال های این موضوع به سال ۲۰۱۷ برمی گردد (که تکرار این موضوع با شدت بیشتری در سال ۲۰۲۱ رخ داده است) که افراد زیادی بعد از افزایش قیمت شدید بیت کوین، وارد دنیای ارزهای دیجیتال شدند و تا قبل از اینکه متوجه شوند در چه فضایی شروع به فعالیت کرده اند قیمت ها وارد چرخه نزولی و کاهش شدید شد. از آنجایی که این اتفاق زیاد رخ می دهد چند تا اصطلاح برای این موضوع استفاده می شود که با هم آنها را مرور می کنیم:



## فومو (FOMO)

ترس از دست دادن (Fear Of Missing Out). این زمانی است که شما یک افزایش قیمت شدیدی رو در ارزی که ندارید مشاهده می‌کنید و این فکر به ذهنتان خطور می‌کند که باید شما هم سهمی از این سود داشته باشید و تا دیر نشده آن ارز رو بخرید. نکته مهم: مواظب باشید هرگز در این دام نیفتید. اگر سهمی رو ندارید و افزایش قیمت شدید را تجربه می‌کرد در مقابل احساسات خودتان بایستید چون دیگر فرصت ورود برای شما نیست و آدم عاقل سوار قطاری که حرکت کرده نمی‌شود. اف یو دی (FUD): این کلمه مخفف

سه کلمه ترس (Fear)، عدم اطمینان (Uncertainty) و شک (Doubt) هستند. این اصطلاحی که به روشی اطلاق می‌شود که در آن افراد یا سازمان‌هایی در مورد یک ارز یا سهم شروع به انتشار اخبار منفی و ضد و نقیض می‌کنند که در اینجا هدف این است که افرادی که آن ارز یا سهم رو دارند بترسند و شروع به فروختن آن بکنند. در اینجا افرادی منتظر هستند تا آن ارز رو در پایین‌ترین قیمت خریداری کنند. به این منظور حتما اخبار رو باید از منابع موثق و مطمئن پیگیری کرد. یکی از مهمترین نمونه‌ها در سال ۲۰۱۷ سخن مدیرعامل شرکت جی پی مورگان (یکی از غول‌های

مالی جهان) در مورد بیت‌کوین بود که آن را یک کلاهبرداری دانسته بود (بگذریم از این که در حال حاضر شرکت جی پی مورگان خودش وارد دنیای ارزهای دیجیتال شده و حضور پررنگی دارد).

## بگ هولدر (Bag holder)

قطعا شما دوست ندارید کسی شما را به این نام بشناسد چون به کسانی اطلاق می‌شود که با احساس ترس از دست دادن سود (FOMO) یک ارز یا سهم رو در بالاترین قیمت تاریخ خودش (ATH) خریداری کردند و فرصت خروج مناسب و کسب سود را از دست داده‌اند.

تذکر مهم: قبل از اینکه بخواهید وارد ارزی شوید حتما در موردش تحقیق کامل بکنید و به اخبار و جوهرایی که در شبکه‌های اجتماعی بوجود می‌آید اکتفا نکنید. قطعا در بازار ارزهای دیجیتال فرصت‌های سرمایه‌گذاری و کسب سود خوبی بدست می‌آید فقط باید با دانش کافی صبر کرد.

## ریسک امنیتی

هک شدن، کلاهبرداری، طرح‌های پانزی و دزدی. این‌ها کلید واژه‌هایی هستند که از سال ۲۰۰۹ و اختراع بیت‌کوین همواره وجود داشته‌اند، و با هر کلاهبرداری، ارزش بازار رمزارزها هر چند موقت کاهش می‌یابد. ارزهای دیجیتال شما از سه طریق عمده ممکن است مورد تهدید قرار بگیرد و از دست برود که به شرح زیر است:

### ۱. خود ارز دیجیتال

هم اکنون صدها رمزارز برای سرمایه‌گذاری وجود دارد، و هزاران ICO جدید (عرضه اولیه کوین) در راه است. زمانی که می‌خواهید ارزی را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کنید، باید در مورد آن ارز تحقیق و



در مورد پروتکل بلاکچین آموزش ببینید و مطمئن شوید که هیچ باگی (یا حتی شایعه) که سرمایه‌گذاری شما رو به خطر بیندازد وجود نداشته باشد. پروتکل یک سری قوانین است که شبکه بلاکچین بر روی آن توافق می‌کند. هم چنین می‌توانید با خواندن وایت پیپر (White Paper) آن ارز که معمولا در سایت آن شرکت یافت می‌شود در مورد ماهیت این ارز اطلاعات کسب کنید. وایت پیپر یک سند رسمی است که موسسان آن ارز قبل از عرضه عمومی، آن را منتشر می‌کنند که شامل اهداف و نقشه راه ارز دیجیتال می‌باشد. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که هیچ شرکتی از معایب آن ارز در وایت پیپر سخنی به میان نمی‌آورد. به همین علت مرور کردن نظرات دیگران و متخصصان در سایت‌هایی مثل ردیت (Reddit) می‌تواند راهگشا باشد.

## ۲. صرافی

صرافی‌ها جایی هستند که شما رمزارزها را معامله می‌کنید. شما باید در مورد صرافی که قصد معامله در آن را دارید اطلاعات کسب کنید و از قابل اعتماد بودن آن اطمینان حاصل کنید. در تاریخ ارزهای دیجیتال نمونه‌های زیادی از درز اطلاعات، هک و مشکلات امنیتی در صرافی‌ها وجود داشته است، که از معروفترین این اتفاقات می‌توان به صرافی Mt.Gox (بزرگترین صرافی ارز دیجیتال در زمان خودش) اشاره کرد که در سال ۲۰۱۳ نزدیک به هفتاد درصد از حجم معاملات بیت‌کوین را در اختیار داشته است. به‌رحال، با مشکلاتی که این صرافی در زمینه امنیت داده‌ها داشت، در فوریه سال ۲۰۱۴ صرافی قربانی یک هک گسترده شد که در نتیجه آن ۸۵۰۰۰ بیت‌کوین از دست رفت. اگر چه نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ بیت‌کوین بازیابی شد، اما به‌رحال ضرر بسیار سنگینی به استفاده‌کنندگان از این صرافی وارد شد.

البته نکته مثبت ماجرا این است که صرافی‌های دیگر از این اتفاق درس گرفته و تا به امروز در صرافی‌های بزرگ و مشهور شاهد چنین اتفاقاتی نبوده‌ایم. اما همچنان نباید این خطر رو دست کم گرفت و باید تمام پیش‌بینی‌های لازم رو در نظر گرفت.

نکته: صرافی‌های متمرکز در مقابل حمله هکرها آسیب‌پذیر هستند و امکان از دست رفتن سرمایه وجود دارد. حتی الامکان سعی کنید از صرافی‌های غیرمتمرکز (مانند نسخه غیرمتمرکز بایننس) استفاده کنید.

## ۳. والت

جنبه دیگری که در امنیت ارزهای دیجیتال اهمیت زیادی دارد استفاده از یک والت یا کیف پول دیجیتال امن است. اگر چه شما کوین‌ها رو به صورت فیزیکی حمل نمی‌کنید، اما می‌توانید آن‌ها را در یک والت فیزیکی امن ذخیره‌سازی کنید. شما در حقیقت کلید خصوصی و عمومی خودتان را، که به منظور انجام تراکنش استفاده می‌کنید، ذخیره می‌کنید. نکته‌ای که خیلی مهم این است که حتما از والت‌تان بک آپ داشته باشید. همانطور که گفته شد والت‌های فیزیکی (مثل نانولجر و یا ترزور) امن‌ترین روش برای ذخیره‌سازی ارزهای دیجیتال می‌باشد.





## ریسک نوسان قیمتی

ریسک نوسانات قیمتی یا volatility ریسک اصولاً در زمانی است که بازار حرکت‌های غیرقابل پیش‌بینی و خارج از عرفی انجام دهد. مثلاً در بازاری که نوسان روزانه میانگین پنج درصد است ممکن است در یک روز تا پنجاه درصد کاهش قیمت داشته باشیم. اگرچه این نوسان قیمت برای معامله‌گران حرفه‌ای ایده‌آل می‌باشد، اما از نظر سرمایه‌گذاری نکته‌ای هستش که باید مدنظر قرار بگیرد. درست مانند هر بازار مالی دیگر، بازار ارزهای دیجیتال هم از این قاعده مستثنی نیست و بازار هر لحظه ممکن است در جهتی که شما پیش‌بینی نکرده‌اید نوسان قیمتی شدیدی را تجربه کند.

اگر با لحاظ کردن مدیریت سرمایه و مدیریت ریسک آمادگی مقابله با این نوسانات را نداشته باشید متحمل ضررهای غیرقابل جبرانی خواهید شد.

این نوسان قیمت در بازار ارزهای دیجیتال از چندین عامل ناشی می‌شود. در درجه اول، این تکنولوژی هنوز در مراحل اولیه توسعه خودش به سر می‌برد. هر مفهوم تکنولوژی انقلابی - مانند اینترنت و یا بلاکچین - در اوایل می‌تواند منجر به نوسانات قیمتی شدیدی شود. تکنولوژی نوین بلاکچین و به تبع آن ارزهای دیجیتال تا قبل از پذیرفته شدن عمومی در جوامع بشری، شاهد این گونه افزایش و یا کاهش

شدید در قیمت خواهد بود.

یکی از راه‌های مقابله با نوسانات قیمتی ارزهای دیجیتال، داشتن نگاه بلندمدت به این بازار و تکنولوژی می‌باشد. اگر شما به دنبال سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و یا حتی معامله‌گری می‌باشید، این نوسانات قیمتی درجه اهمیت زیادی دارد ولی اگر بلندمدت نگاه کنید تا حد زیادی این ریسک برای شما کاهش پیدا می‌کند و می‌توانید به عنوان فرصت به آن نگاه کنید.

نکته: یکی دیگر از راه‌های مقابله با ریسک نوسانات قیمتی، استفاده از بات‌های تریدینگ می‌باشد.

## ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی به این صورت تعریف می‌شود که شما قادر به فروش سریع سهم یا ارزهای خود در یک قیمت منطقی نباشید (خریدار و یا نقدینگی لازم برای این کار موجود نباشد). نقدینگی یک اصل مهم برای هر دارایی قابل معامله می‌باشد. به عنوان مثال بازار فارکس یکی از بزرگترین بازارها از لحاظ حجم سرمایه در گردش و نقدینگی می‌باشد. اما حتی در فارکس هم کمبود نقدینگی می‌تواند مشکل‌زا باشد. در ارزهای دیجیتال، اگر شما وارد ارزهای با حجم نقدینگی بسیار کم شوید، ممکن است حتی قادر نباشید که پوزیشن‌های معامله خود را ببندید چون اصلاً قیمت تغییری نمی‌کند (خریدار و فروشنده‌ای وجود ندارد).

یکی از دلایل نوسانات قیمتی در ارزهای دیجیتال وجود نقدینگی و سرمایه در گردش بالا می‌باشد. زمانی که نقدینگی کم باشد، خطر دستکاری قیمت توسط نهنگ‌ها (افراد یا موسساتی که حجم سرمایه زیادی در بازار دارند و قادر به جابجایی قیمت در جهتی که مایل هستند رو دارند) به میان می‌آید.

نکته: سعی کنید حداقل در اوایل ورود به این بازار فقط در ارزهای با مارکت کپ





بالا مانند بیت کوین و اتریوم ورود کنید. نکته مثبت ماجرا این هستش که با افزایش آگاهی مردم نسبت به ارزشهای دیجیتال و پذیرفته شدن به عنوان یکی از راههای سرمایه گذاری، نقدینگی در این بازار به شدت رو به افزایش می باشد. افزایش صرافی های قابل اعتماد که افراد در آن قادر به معامله کردن و سرمایه گذاری هستند موضوع بسیار خوبی می باشد.

جنبه کلیدی دیگر در نقدینگی ارزشهای دیجیتال مباحث مربوط به قانون گذاری در کشورهای مختلف نسبت به این موضوع می باشد. اگر مراجع قانونگذاری قادر به حل مسائلی همچون حمایت از مصرف کننده و یا مباحث مالیاتی ارزشهای دیجیتال باشند، افراد بیشتری مایل به استفاده و سرمایه گذاری در این حوزه جذاب خواهند بود که به خودی خود باعث افزایش حجم سرمایه ورودی به این بازار خواهد شد.

نکاتی که باید برای بررسی نقدینگی یک ارز در نظر داشته باشید:

بررسی میزان محبوبیت، کاربردی بودن و تعداد صرافی هایی که این ارز در آن معامله می شود. بعضی از ارزشهای دیجیتال که کمتر شناخته شده اند ممکن است پتانسیل زیادی برای افزایش قیمت داشته باشند اما مشکل نقدینگی در آنها ممکن است شمارو به مخاطره بندازد.

### ریسک محو شدن

ریسک محو شدن مقداری با بحث کلاهبرداری و اینکه یک روز از خواب بلند شوید و ببینید که ارز دیجیتالی که خریدید کلاً از بین رفته متفاوت می باشد. در حال حاضر صدها ارز دیجیتال وجود دارد که هر روز به این تعداد افزوده می شود. ده سال دیگر، بسیاری از این ارزشهای دیجیتال از عرصه خارج خواهند شد و برخی دیگر به بلوغ و تکامل خواهند رسید. از این رو

از دید سرمایه گذاری بلند مدت بررسی کاربردی بودن و تحقیق در مورد تیم توسعه دهندگان ارز بسیار واجب و حیاتی می باشد. یک مثال بارز این ریسک بحران مالی سال ۲۰۰۰ (دات کام) می باشد. در اواخر دهه نود میلادی، افراد زیادی از سراسر دنیا با توجه به پیدایش اینترنت (درست مانند بلاکچین این روزها)، رویای ساختن یک تجارت عالی برپایه اینترنت را در سر می پروراندند. برخی مانند آمازون و یا ebay موفق به انجام چنین کاری شدند. اما تعداد زیادی در این کار ناموفق بودند و شکست خوردند و از صفحه روزگار محو شدند. تاریخ همواره در حال تکرار شدن می باشد

پس با نیم نگاهی به گذشته، تصمیم درستی در مورد سرمایه گذاری بر روی ارزشهای دیجیتال کمتر شناخته شده بگیرید.

نکته: به منظور کاهش این ریسک، باید بر روی ارزشهایی که مایل به سرمایه گذاری هستید تحلیل بنیادی یا فاندامنتال انجام بدهید. آیا اهدافی که تعیین کرده اند (در وایت پیپر) به نظر شما منطقی می باشد؟ آیا این مشکلی که می خواهند حل کنند در ده سال آینده همچنان وجود خواهد داشت؟ شریکان تجاریشان کدامند؟ شما نمی توانید این ریسک رو کاملاً برطرف کنید، اما می توانید با لحاظ کردن چند نکته و بررسی بنیادی تا حد زیادی خودتون رو از خطرات





این ریسک در امان بدارید.

### ریسک قانونی

یکی از اولین دلایل جذب سرمایه به ارزشهای دیجیتال نبود قوانین مشخص در این زمینه بود. یعنی اگر شما ارزش دیجیتال دارید نیازی به پاسخگویی به هیچ مرجعی ندارید و حتی لازم نبود در هیچ صرافی احراز هویت انجام بدهید. پروژه‌های رمزارزها برای انتشار فقط نیاز به یک وایت پیپر و یک هدف‌گذاری برای جذب سرمایه داشتند. به‌هرحال، با افزایش تقاضای ارزشهای دیجیتال، قانونگذاران بین‌المللی متوجه لزوم وضع قوانین مشخص در این زمینه شدند.

تا به امروز هر کشوری قوانین گاه ضد و نقیض خود را در مقابل پدیده رمزارزها وضع کرده است و هیچ قانون مشخص بین‌المللی که ساز و کار مشخصی در رابطه با ارزشهای دیجیتال تعیین کند وجود ندارد. ریسک مربوطه به قانونگذاری ارزشهای دیجیتال رو می‌شود به دو دسته تقسیم کرد: خود نفس قانونمند کردن و دیگری نوع قانونی که وضع می‌شود. افرادی که در بازار رمزارزها وجود دارند نسبت به اعلام غیرمنتظره هر قانونگذاری واکنش نشان می‌دهند. در سال ۲۰۱۸، هر قانون هر چند کوچک که وضع می‌شد باعث نوسان قیمتی در اکثر ارزشهای بزرگ می‌شد.

در زمان نگارش این مقاله (اوایل ۲۰۲۱)، هیچ قانونگذار بین‌المللی در مورد رمزارزها وجود ندارد. در برخی کشورها (مانند ژاپن و ایالات متحده)، صرافی‌های ارزشهای دیجیتال تا زمانی قانونی و مجاز هستند که توسط یک موسسه مالی ثبت شده باشند. در برخی کشورها مانند چین، نیز در مورد رمزارزها قوانین سختگیرانه‌تری وضع کرده ولی در مورد خود بلاکچین با انعطاف بیشتری برخورد می‌کنند.

### ریسک مالیات

در اوایل که سرمایه‌گذاری در این ارزشها محبوب شد، کسی از سودی که کسب می‌کرد هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌کرد. به‌هرحال، همین‌طور که بازار در حال قانونمند شدن می‌باشد، مراجع قانونی در زمینه مالیات‌گذاری نیز سختگیرانه‌تر عمل می‌کنند. در سال ۲۰۱۸، سرویس سود داخلی در ایالات متحده بیت‌کوین و دیگر رمزارزها را به عنوان دارایی (Property) شناخت، علیرغم اینکه کلمه ارزش در خود کلمه ارزش دیجیتال مشخص می‌باشد. در نتیجه، تراکنش‌هایی که از آلت‌کوین‌ها استفاده کنند مشمول مالیات بر ارزش افزوده می‌گردند.

در ایران هم تا آینده نه چندان دور احتمال اینکه معاملات و یا حتی داشتن رمزارزها مشمول مالیات بر دارایی بشوند چندان دور از ذهن نیست.

البته نکته امیدوارکننده این است که اگر چه تقریباً تمام سرمایه‌گذاری‌هایی که به صورت مجازی انجام می‌شود (ارزشهای دیجیتال تنها یکی از انواع آن است) در معرض وضع مالیات قرار دارند، اما مالیات‌گذاری ارزشهای دیجیتال به علت عدم توافق بر ماهیت این پدیده مقداری مشکل‌تر و زمان برتر خواهد بود.



مقامات ملی تنظیم‌کننده مقررات ارز تا به امروز عموماً صلاحیت مستقیم نسبت به ارزهای مجازی، نداشته‌اند، چرا که آن‌ها پول‌های بی‌پشتوانه ملی نیستند. با این حال، تنظیم‌کنندگان مقررات ارز، از چند روش کلیدی غیر مستقیم، بر توسعه ارز دیجیتال تأثیرگذاری می‌کنند. از طریق اختیار خود برای محافظت از ارزش و یکپارچگی پول‌های بی‌پشتوانه ملی، آنها اقداماتی را اتخاذ می‌کنند که بر روی ارزهای دیجیتال تأثیر می‌گذارد با این ادعا که چنین اقداماتی برای حفاظت از پول ملی آن‌ها ضروری است. علاوه بر این، از آنجا که معمولاً این تنظیم‌کنندگان مقررات، اختیار کنترل فعالیت بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی کلیدی را دارند، با محدود کردن اختیار این مؤسسات در استفاده یا پذیرش ارز مجازی، بر توسعه و استفاده از ارزهای دیجیتال تأثیر می‌گذارند. تنظیم‌کنندگان مقررات ارز، معمولاً در خصوص تبدیل ارز خارجی صلاحیت دارند (حق تنظیم مقررات دارند) و از طریق این نقش، در حال حاضر به طور معمول توانایی اشخاص برای تبدیل ارزهای دیجیتال و ارزهای سنتی ملی را محدود می‌کنند. همچنین تنظیم‌کنندگان مقررات ملی ارز، در خصوص خطرات مربوط به استفاده از ارز دیجیتال هشدارهای قابل توجهی به مصرف‌کنندگان داده‌اند. تنظیم‌کنندگان مقررات ارز، اغلب دارای صلاحیت تنظیم مقررات در خصوص انتقال سرمایه و انتقال پول هستند و اغلب این صلاحیت را در زمینه استفاده از ارز مجازی مورد استفاده قرار می‌دهند. در حال حاضر برخی از دولت‌ها امکان اعمال کنترل دولتی بر ارز دیجیتال و مشارکت دولت در بلاکچین پلتفرم‌های ارزهای مجازی موجود را بررسی می‌کنند.

### ۱. مبتنی بودن ارزش ارز دیجیتال به تمایل کاربران

پلتفرم‌های ارز دیجیتال می‌توانند توسط سازمان‌های خصوصی و گروه‌هایی از افراد



## تأثیر ارز دیجیتال بر مقررات ارز (پول) سنتی

نویسنده: جفری اچ. ماتسورا

ترجمه و تحقیق: سعید سیاه‌بیدی کرمانشاهی، رضا محبی



کرده یا افزایش دهند. دولت‌ها با عمل خود به عنوان کاربران ارزش‌های دیجیتال، می‌توانند توسعه ارزش دیجیتال را ارتقا دهند و می‌توانند جنبه‌های کلیدی این توسعه را تحت تأثیر قرار دهند. به لحاظ عملی، دولت‌ها می‌توانند با مشارکت در اقتصاد ارزش دیجیتال، از طریق توسعه و به کارگیری روش‌های سنتی نظارت مقرراتی، تأثیر بیشتر و سریعتری در استفاده از ارزش مجازی داشته باشند.

### ۳. ارزیابی موضع‌گیری کشورها در قبال ارزش‌های دیجیتال

به نظر می‌رسد چشم‌اندازی در سطح جهان در حال ظهور است که ارزش دیجیتال را از نظارت مقرراتی معاف می‌کند، اما هم‌زمان خدمات واسطه‌ای کلیدی را به عنوان خدمات مالی قاعده‌مند در نظر می‌گیرد؛ بنابراین، در حالی که کشورها یکی پس از دیگری ادعا می‌کنند که ارزش دیجیتال را مورد تقنین قرار نخواهند داد لیکن بسیاری از همان کشورها مقررات خدمات مالی موجود خود را بر روی ارائه‌دهندگان مهم خدمات واسطه‌ای که ارزش دیجیتال را مفید می‌دانند اعمال می‌کنند. حوزه‌های قضایی تصمیم‌ساز در سراسر جهان در حال حاضر در خصوص افرادی که ارزش دیجیتال را صادر و یا از معاملات تجاری ارزش استفاده می‌کنند، تصمیم به عدم تقنین گرفته‌اند. در عوض، توجه در تنظیم مقررات در درجه اول به طرف‌های مختلف واسطه‌گر است که استفاده از ارزش‌های دیجیتال را پردازش و پشتیبانی می‌کنند. توجیه این ادعا در صلاحیت قانون‌گذاری این است که خدمات واسطه، در واقع، خدمات مالی ارائه شده به عموم است.

یکی از جنبه‌های منحصر به فرد بیت‌کوین و سایر سیستم‌های ارزش مجازی این واقعیت است که افراد و سازمان‌ها

وضعیت، برخی از حوزه‌های قضایی، به مقامات نظارتی که بر ارزش سنتی نظارت دارند اجازه داده‌اند که نقشی در نظارت بر ارزش‌های دیجیتال ایفا کنند. در بسیاری از کشورها، مقام اصلی نظارت بر ایجاد و استفاده از پهل [ارز]، بانک مرکزی یا وزارت دارایی کشور است. تا به امروز، این نقش عمدتاً شامل اطلاع‌رسانی به عموم مردم درباره چستی ارزش‌های دیجیتال و نحوه استفاده آنها بوده است. علاوه بر این، تنظیم‌کنندگان مقررات ارزش در بسیاری از نقاط مختلف جهان، با توجه به خطرات ناشی از استفاده از ارزش دیجیتال، به نحو فعالانه به عموم مردم هشدار داده‌اند. با این حال، روشن است از آنجا که ارزش‌های دیجیتال ارزش واقعی نیستند، قدرت واقعی بانک‌های ملی و دیگر تنظیم‌کنندگان مقررات ارزش در سراسر جهان برای این که به‌طور مستقیم بر ارزش‌های دیجیتال نظارت کنند بسیار محدود است.

توجه به این امر حائز اهمیت است که دولت می‌تواند بدون این که از طریق مقررات، نظارت مستقیمی داشته باشد، تأثیر قابل توجهی بر توسعه سیستم‌های ارزش مجازی داشته باشد. دولت‌ها می‌توانند از ارزش‌های دیجیتالی استفاده کنند بدون این که آنها را به عنوان پول قانونی برگزینند. برای مثال، دولت‌های متعددی در نقاط مختلف جهان، در حال حاضر بیت‌کوین را برای پرداخت هزینه‌ها و نیز سایر مبالغی که توسط شرکت‌ها و افراد پرداخت می‌شود، قبول می‌کنند. پذیرش ارزش‌های دیجیتال توسط دولت برای ایفای تعهدات مالی، این ارزش‌های دیجیتال را به پول رسمی قانونی تبدیل نمی‌کند. با این حال، پذیرش دولت‌ها به کاربران این ارزش‌ها اعتماد بسیار بیشتری نسبت به سودمندی آنها می‌دهد و در نتیجه به این ارزش‌ها کمک می‌کند تا ارزش خود را حفظ

ایجاد و اداره شوند. دولت‌ها از نظر عملیاتی نیازی به توسعه یا اجرای سیستم‌های ارزش دیجیتال ندارند. در نتیجه، ارزش‌های دیجیتال خارج از کنترل دولت‌ها به وجود آمده و رشد می‌کند. در واقع، بهترین توصیف برای سیستم‌های ارزش مجازی که امروزه موجود هستند، توصیف به پول خصوصی است. آنها ابزارهای مؤثر مبادله را به اندازه‌ای که یک حجم قابل توجه از کاربران راغب به این امر وجود دارد ارائه می‌دهند. بدون این کاربران راغب در جهان، پول خصوصی هیچ ارزشی ندارد. ارزش اقتصادی سیستم‌های ارزش مجازی و در نتیجه اثربخشی آنها به عنوان مکانیسم تجاری کاملاً وابسته به وجود یک گروه از کاربران راغب است که ارزش را در ازای کالا و خدمات بپذیرند.

تا به امروز، هیچ کشوری ارزش دیجیتالی را به عنوان پول قانونی ایجاد نکرده است. این موضوع به این معنی است که در هیچ حوزه قضایی، پول دیجیتال یک پول ملی رسمی نیست. گرچه بیت‌کوین و دیگر انواع ارزش دیجیتال در سراسر جهان به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما آنها پول قانونی نیستند. ارزش ارزش دیجیتال مبتنی بر تمایل طرفین است به این که در یک معامله ارزش دیجیتال را به عنوان یک انتقال معتبر ارزش اقتصادی پیشنهاد دهند و بپذیرند. ارزش‌های دیجیتال توسط هیچ دولتی پشتیبانی و یا تضمین نمی‌شود. بر این اساس، به ناچار این ارزش‌ها نسبت به ارزش‌های سنتی ریسک بزرگ‌تری برای کاربران در بردارند.

### ۲. موضع‌گیری دولت‌ها در قبال ارزش‌های دیجیتال

از آنجا که ارزش‌های دیجیتال از طریق مجوز یا اقدامات دولت ایجاد نمی‌شوند، آنها پول قانونی محسوب نمی‌شوند و لذا به عنوان ارزش رسمی تحت نظارت مقررات مربوطه قرار نمی‌گیرند. با وجود این

می‌توانند بدون تکیه به استفاده از واسطه‌ها مستقیماً در ایجاد و استفاده از آن سیستم‌ها شرکت نمایند. به عنوان مثال، یک فرد می‌تواند در استخراج نرم‌افزار شرکت کند و می‌تواند ذخیره ارز دیجیتالی خود را مستقیماً مدیریت کند. در بسیاری از موارد، قوانین خدمات مالی فقط در صورتی اعمال می‌شود که ارائه‌دهندگان خدمات، آن خدمات را به اشخاص ثالث ارائه دهند. اگر چه در حال حاضر وضعیت قانونی و نظارتی همچنان حل نشده است، اما به احتمال زیاد حتی اگر عملکردهای اصلی مرتبط با ایجاد، توزیع و استفاده از ارزهای مجازی در چندین حوزه قضایی به عنوان خدمات مالی مجاز در نظر گرفته شود، این نظارت قانونی در موقعیت‌هایی که افراد یا سازمان‌ها به طور مستقیم و برای اهداف خود درگیر فعالیت‌های ارزهای دیجیتال هستند اعمال نمی‌شود، این عدم اعمال به عنوان بخشی از پیشنهادات خدمات تجاری که در اختیار سایرین می‌باشد نیست.

این واقعیت که هیچ کشوری هنوز هیچ نوع ارز دیجیتالی را به عنوان ارز رسمی (قانونی) خود تعیین نکرده است به معنای این نیست که چنین اقدامی هرگز نمی‌تواند صورت بگیرد. از نظر مفهومی، در صورت انتخاب شهروندان و دولت درگیر (مشارکت‌کننده در امور) ارزهای دیجیتال می‌توانند به عنوان پول ملی رسمی کشور خدمت کنند. به نظر می‌رسد کشورهای که در صدر پذیرش این استراتژی قرار دارند، کشورهای قابل اطمینان پول به عنوان واسطه مبادله ندارند و ارزش پول آن بسیار کم است. در کشورهای که ارز رسمی در معرض بی‌ثباتی است، افراد و مشاغل ممکن است ترجیح دهند از بیت‌کوین و

سایر ارزهای مجازی به عنوان وسیله‌ای برای ذخیره ارزش اقتصادی استفاده کنند. مردم می‌خواهند دارایی‌های اقتصادی خود را به نحوی حفظ کنند که از ارزش آن دارایی‌ها محافظت کنند. اگر پول ملی در معرض کاهش ارزش سریع باشد، شهروندان و مشاغل به سرعت ارزش قابل توجهی را از دست خواهند داد. در چنین شرایطی، اگر ارز دیجیتال ارزش باثبات‌تری را فراهم کند، ممکن است ترجیح دهند ارز دیجیتال را در اختیار داشته باشند.

به جهت مورد توجه واقع شدن به عنوان جایگزین ارز مستقر (فعالاً موجود)، ارزهای مجازی باید به طور گسترده پذیرفته شده و به راحتی قابل تبدیل باشند. ارزهای دیجیتال منحصراً زمانی مورد پذیرش توسط مشاغل و افراد قرار خواهد گرفت که برای طیف گسترده‌ای از معاملات مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، یک ارز مجازی باید به راحتی به پول‌های سنتی تبدیل شود. بدون مهیا شدن چنین شرایطی، مردم و مشاغل تمایلی به نگه داشتن ارزهای دیجیتال نخواهند داشت. یکی از عناصر اصلی ارزش یک ارز مجازی، قابلیت تبدیل آماده آن به پول رسمی کشور و هم به ارزهای سایر کشورها است. برخی از اقتصاددانان معتقدند که بخش قابل توجهی از ارزش و جذابیت بالقوه ارز مجازی، تبدیل آن به ارز خارجی است.

گروه‌های زیادی در حال توسعه خدمات تبدیل ارز دیجیتال برای تسهیل حرکت سریع منابع ارز مجازی به پول‌های سنتی و بالعکس هستند. مقامات تنظیم‌کننده مقررات در بسیاری از حوزه‌های قضایی نسبت به عملکرد تبدیل ارز بسیار حساس بوده و اشخاص ارائه‌کننده خدمات تبدیل ارز را به نوعی ملزم به اخذ تأیید و نظارت

می‌دانند. در ایالات متحده، ایالت نیویورک اخیراً نخستین مجوز را برای یک سرویس تبدیل ارز دیجیتال اعطاء کرده است. دپارتمان خدمات مالی نیویورک مجوز مبادله بیت‌کوین itBit را اعطا نمود، این مجوز (امتیاز) عامل، به itBit می‌دهد خدمات تبدیل ارز را برای بیت‌کوین فراهم کند.

بازار بالقوه ارزهای مجازی به عنوان روشی برای حفظ ارزش اقتصادی، می‌تواند علاوه بر روش‌های موجود در جهت حفظ منافع کشورهای که اقتصاد ناپایداری دارند به طور مناسبی مورد استفاده قرار گیرد. به یک معنا، استفاده از ارز مجازی به عنوان یک مکانیسم حفظ ارزش اقتصادی قلمداد می‌شود، به طهوری که با اتخاذ این روش برخی‌ها در مورد امکان حفظ ارزش دارایی با کالاهایی خاص مانند فلزات گران‌بها تجدیدنظر خواهند کرد. در کشورهایی که واحد پول ملی در معرض نوسانات سریع و شدید ارزش قرار دارد، کالاهایی مانند فلزات گران‌بها غالباً به عنوان سرمایه‌گذاری برای حفظ ارزش در نظر گرفته می‌شوند که محافظت از ارزش دارایی در برابر بی‌ثباتی اقتصادی است. ارزهای مجازی می‌توانند نقش مشابهی را ایفا کنند، با این مزیت مضاعف که برای تهیه، ذخیره و مدیریت نسبت به بیشتر کالاهای سنتی بسیار محبوب، بسیار مناسب‌تر نیز هستند. اگر چه ارزهای مجازی خود در معرض تغییر ارزش ناگهانی هستند، اما با ارائه سازوکار اضافی برای جمع‌آوری و حفظ ارزش اقتصادی، می‌توانند به ثبات اقتصادی در حال توسعه کمک کنند. ماهیت جهانی در حال رشد محبوب‌ترین پلتفرم‌های ارزهای دیجیتال مانند بیت‌کوین همچنین کمک می‌کند تا دارایی‌های افراد که در آن نگهداری می‌شوند، متحرک‌تر و قابل انتقال به





کشورهای دیگر باشند. این تحرک پذیری می‌تواند یک مزیت مهم برای صاحبان دارایی‌ها باشد، با این حال، همچنین می‌تواند برای دولت‌های ملی نگران‌کننده باشد که استفاده گسترده از ارزهای دیجیتال می‌تواند به انتقال سریع دارایی‌های اقتصادی در خروج از کشورشان کمک کند. به حدی که شهروندان کشورهایی که اقتصاد ناپایدار دارند معتقدند که ارزهای دیجیتال ثبات و تحرک پذیری بیشتری را برای دارایی‌های اقتصادی‌شان ایجاد می‌کند و ممکن است این ارزهای الکترونیکی را نسبت به پول‌های ملی رایج خود ترجیح دهند. شهروندان ممکن است با ذخیره بیشتر دارایی‌های خود به ارزهای دیجیتال نسبت به پول‌های سنتی، در واقع پول سنتی را تضعیف کرده و آن را کم ارزش و بی‌ثبات جلوه دهند.

به عنوان مثال، چالش‌های یونان و اقتصاد آن را در نظر بگیرید، عدم اطمینان در مورد آینده آن کشور در جامعه اروپا، عواقب مخربی برای مردم و مشاغل کشور به همراه داشته است. در یک چنین محیط اقتصادی با ناآرامی بسیار، گزینه‌های ارزهای دیجیتالی ممکن است نسبت به آنچه در اقتصادهای پررونق و پایدار رخ می‌دهد، برای مردم و بنگاه‌ها به طور قابل توجهی جذاب‌تر به نظر برسند. هنگامی که شرایط اقتصادی یک کشور به طوری وخیم گردد که تغییرات قابل توجهی در ارزش پول انجام گیرد و جریان نقدینگی در دسترس مردم باشد، ارزهای مجازی می‌توانند گزینه مناسبی برای همه اشخاص ارائه دهند. اگر چه ارزهای دیجیتالی به دلیل تغییر ارزش قابل توجه بدنام هستند، اما ممکن است تحت برخی شرایط فرصت‌های مؤثرتری برای محافظت از ارزش دارایی و اطمینان از دسترسی به آن دارایی‌ها نسبت به پول

ملی سنتی فراهم کند. در حال حاضر، هیچ شکلی از ارز دیجیتال به عنوان ارز رسمی قانونی در هیچ کجای دنیا شناخته نشده است. همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، گر چه تلاش‌هایی مانند آنچه که در اکوادور در حال انجام است به عنوان ابتکار عمل ملی ارزهای دیجیتال توصیف شده است، اما این برنامه‌ها در واقع پلتفرم‌های ارزهای مجازی ملی واقعی را تشکیل نمی‌دهند. در حال حاضر و برای آینده قابل پیش‌بینی، هیچ کشوری احتمالاً نمی‌تواند

یک سیستم واقعی ارز دیجیتال را به عنوان تنها سیستم پول اعتباری (قانونی) خود ایجاد کند. بر این اساس، چارچوب تعیین شده سیاست‌ها، قوانین و مقررات حاکم بر ایجاد و استفاده از ارز مستقیماً برای هیچ کدام از ارزهای دیجیتال قابل اجرا نیست. توسعه، توزیع و استفاده از بیت‌کوین و سایر ارزهای مجازی فراتر از حد فعلی قوانین رسمی و مقررات مالی است.

اگر چه هنوز هیچ کشوری پول قانونی را به شکلی از ارز مجازی ایجاد نکرده

است، اما ابتکارات ملی وجود دارد که به دنبال ادغام کامل ارزش‌های دیجیتال در زیرساخت‌های اقتصادی ملی هستند به عنوان مثال، جزیره من در حال حاضر در حال ایجاد یک (بلاک چین) کیف پول ارز رمزپایه است که می‌تواند گسترش استفاده از ارزش‌های دیجیتال را پشتیبانی کند. دپارتمان توسعه اقتصادی جزیره من با استفاده از پلتفرم رمز ارز اعتباری، این کیف پول را تأسیس و نگهداری خواهد کرد. بر اساس این طرح، دولت جزایر من یکی از گروه‌های مختلف در سراسر جهان خواهد بود که منابع محاسباتی را که از ارزش‌های رمزپایه پشتیبانی می‌کند فراهم می‌آورد.

ابتکار جزیره من رویکرد دولت به ارزش‌های مجازی را نشان می‌دهد که می‌تواند الگوی مفیدی برای سایر حوزه‌های قضایی باشد. جزیره من، در حال ایجاد ارز دیجیتال جدید نبوده و در عوض، شرکت در یک پلتفرم ارز رمزنگاری موجود را انتخاب کرده است. به عنوان مثال این مورد مانند آنچه در اکوادور در حال وقوع است نبوده و فقط دسترسی پول ملی موجود را به یک شبکه پرداخت الکترونیکی گسترش می‌دهد. جزیره من، در حال تبدیل شدن به یک شریک فعال در یک پلتفرم رمز ارز خصوصی توسعه یافته، در یک سیستم اعتباری است. در این روش، دولت جزایر من در واقع در حال پیوستن به یک جامعه ارز مجازی است که با همکاری اشخاص خصوصی به وجود آمده است.

با پیوستن به یک بلاکچین موجود در ارز مجازی، دولت جزایر من کاملاً به عملکردهای پلتفرم ارزی دسترسی پیدا می‌کند، همان دسترسی اطلاعاتی که در دسترس سایر مشارکت‌کنندگان در بلاکچین است. علاوه بر این، مشارکت

به دولت این امکان را می‌دهد تا به جای این که مجبور به تکیه بر قوانین نظارتی خارجی باشد، از طریق فعالیت مستقیم، بر عملکرد پلتفرم ارزی تأثیر بگذارد.

مشارکت دولت در یک پلتفرم ارز مجازی نیز موضوعات حقوقی و سیاسی جالبی را برای بررسی مطرح می‌کند. به عنوان مثال، اگر دولتی در استخراج ارز دیجیتال شرکت کند، آیا کل این عملیات بلاک‌چین به نوعی اقدام دولت در این زمینه تلقی می‌شود؟ به عنوان مثال، در ایالات متحده، اقدامات انجام شده توسط دولت ملی منوط به الزامات قانونی و محدودیت‌هایی است که توسط قانون، مقررات و حتی قانون اساسی ایالات متحده اعمال می‌شود. اقدامات مشابهی که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی صورت می‌گیرد، مشمول همین الزامات و محدودیت‌ها نیستند. اگر دولتی مستقیماً در ایجاد و توزیع ارزش‌های دیجیتال که قبلاً کاملاً خصوصی بوده است شرکت کند، ممکن است که برخی از الزامات قانونی و محدودیت‌های مربوط به اقدام دولت پس از آن در سیستم ارزش‌های دیجیتال قابل اجرا باشد. در حال حاضر، معلوم نیست که آیا مشارکت دولت در یک پلتفرم ارز مجازی خصوصی می‌تواند این بستر را به یک عملیات دولت تبدیل کند یا خیر، بنابراین منجر به رعایت اجباری کلیه تعهدات و محدودیت‌های مرتبط با اقدام دولت خواهد شد.

تعداد فزاینده‌ای از کشورهای اکنون ارزش بالقوه فناوری بلاک چین را در هسته بیت‌کوین و سایر سیستم‌های رمزنگاری ارزی تشخیص می‌دهند. این دولت‌ها می‌دانند که پلتفرم بلاک‌چین می‌تواند علاوه بر ارزش‌های مجازی، از مجموعه روزافزون فعالیت‌ها و معاملات به طور مؤثر پشتیبانی کند. فن‌آوری

بلاک چین معاملات امن و شفاف توزیع شده را امکان‌پذیر می‌کند و این قابلیت می‌تواند در آینده برای دولت‌ها و همچنین مشاغل مفید باشد. به همین دلیل، سنای کانادا اخیراً ارزش بالقوه بلاک چین و سایر فناوری‌های پلتفرم ارز مجازی را به رسمیت شناخته است و توصیه می‌کند دولت کانادا از تنظیم قوانین مخل سیستم‌های ارز مجازی خودداری کند تا استفاده از فناوری‌های پلتفرم ارز مجازی انجام گرفته و از پیشرفت روش‌هایی که دولت کانادا از طریق آن می‌تواند مورد استفاده قرار دهد بهره‌مند گردد.

استراتژی دولت‌ها برای پیوستن به جوامع مجازی خصوصی تأسیس شده مانند آن‌هایی که بر پایه بیت‌کوین و اعتبار هستند ممکن است مؤثرترین و مولدترین رویکرد دولت برای نظارت بر توسعه ارزش‌های دیجیتال را ارائه دهد. بر اساس این رویکرد، دولت‌ها می‌توانند به جای تمرکز بر تنظیم پلتفرم‌های ارز مجازی، بر عملکرد آن‌ها از طریق مشارکت مستقیم تأثیر بگذارند. دولت جزایر من، با توافق بر این امر که با استفاده از منابع محاسباتی خود برای میزبانی بخشی از بلاک چین که از عملیات جامعه رمز ارز پشتیبانی کند به جامعه رمز ارزها می‌پیوندد. به عنوان یکی از اعضای پلتفرم ارز مجازی، دولت جزایر من می‌تواند به تقویت استفاده گسترده از سیستم‌های ارز دیجیتال کمک کند.

وقتی دولت‌ها به طور فعال در بیت‌کوین و سایر پلتفرم‌های ارز دیجیتال شرکت می‌کنند، آن‌ها عضو انجمن‌های ارزش‌های دیجیتال می‌شوند. علاوه بر این، به عنوان اعضای جامعه ارز مجازی، دولت‌های شریک از کلیه ترانکشن‌های شبکه و تاریخچه کامل پرداخت، افق دید کاملی دارند. به عنوان شرکت‌کنندگان در بلاک





چین‌های ارزهای دیجیتال، دولت‌ها دسترسی کاملی به دفترچه راهنمای عمومی دارند که تاریخچه بلاکچین‌ها را در اختیار دارند. در این وضعیت، احتمالاً نیازی به دستور دادگاه یا احضاریه‌های لازم برای دسترسی به اطلاعات معاملات نیست، زیرا دولت‌ها به دلیل عضویت در جامعه و مشارکت در شبکه، دسترسی کامل به کلیه اسناد معامله موجود را خواهند داشت. از این دیدگاه، به نظر می‌رسد که به نفع دولت‌ها است که به عنوان شریک به همه شبکه‌های ارز مجازی بپیوندند. با خدمت به عنوان شرکت‌کننده فعال در آن شبکه‌ها، دولت‌ها دسترسی کاملی به اطلاعات شبکه کسب می‌کنند و این توانایی را دارند که بر فعالیت‌های شبکه‌ها مؤثر واقع شوند. با این حل یک مسئله مفتوح (حل نشده) مربوط به پاسخ جوامع ارزی دیجیتال به دولت‌ها است اگر دولت‌ها بخواهند به طور معمول به آنها بپیوندند. برخی از این اجتماعات ممکن است تمایلی به وضعیتی نداشته باشند که در آن چندین دولت عضو فعال شبکه‌های خود باشند.

برخی از طرفداران ارز مجازی نوعی ارز دیجیتال تحت حمایت دولت را توصیه می‌کنند که حتی گسترده‌تر از آن است که دولت جزیره من پیشنهاد داده است. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که از کلیه پلتفرم‌ها و محاسبات شبکه‌ای و عمومی که از آن در محیط ارز دیجیتال به ظهور گسترده استفاده می‌گردد، در جهت انتفاع از شکل جدید ارزهای دیجیتالی مورد حمایت دولت ملی استفاده شود. این ارز واقعی دیجیتالی لزوماً با ارز قانونی موجود کشور مرتبط نبوده بلکه می‌تواند یک ارز کاملاً جدید باشد. با این حال، کلید پشتیبانی کامل از پول جدید حمایت توسط دولت ملی است. فقط در صورت

از محبوب‌ترین این خدمات انتقال پول الکترونیکی، از طریق استفاده از شبکه‌های تلفن همراه ارائه می‌شود. بیت‌کوین و سایر سیستم‌های ارزی مجازی اکنون با این پلتفرم‌های تلفن همراه مستقر برای انتقال پول بین‌المللی در حال ادغام هستند. سیستم پرداخت مبتنی بر تلفن همراه (M-Pesa) در کشورهای آفریقایی از جمله کنیا و نیجریه بسیار محبوب است، مکانی که میلیون‌ها دلار پول از طریق کنیایی‌ها و نیجریه‌هایی که در کشورهای توسعه یافته مشغول کارند به خانواده‌های خود در

تضمین دولت از ارزش واحد پول دیجیتال جدید، می‌توان آن را به عنوان نوعی پول ملی واقعی تلقی کرد.

به طور فزاینده‌ای، شبکه‌های ارزهای دیجیتال با سایر سیستم‌های مستقر برای انتقال پول در ارتباط هستند. به عنوان مثال، پلتفرم‌های انتقال پول الکترونیکی در حال حاضر بسیار در بین مردم کشورهای در حال توسعه که در سایر نقاط جهان مشغول به کار هستند و مرتباً دستمزد خود را به خانواده خود در کشورهای خود منتقل می‌کنند محبوبیت دارد. برخی

اعتماد شهروندان نسبت به پول ملی ارائه شوند. تا حدی که صلاحیت این مقامات بر اعمال بانکها و سایر مؤسسات مالی فراگیر می‌گردد، این صلاحیت می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای اقدامات نظارتی مؤثر بر ارزشهای مجازی نیز باشد.

به عنوان پلتفرم‌های پرداخت خصوصی، سیستم‌های ارزی مجازی مستقیماً تحت نظارت تنظیم‌کنندگان مقررات (قانون‌گذاران) پول ملی نیستند. زمان آن رسیده است که این تنظیم‌کنندگان مقررات موضع بگیرند که استفاده از ارزشهای دیجیتال به اندازه کافی گسترده شده [به قدری گسترده شده] که هشدارهای لازم نسبت به ریسک بالقوه را به مردم بدهند و اقدامات نظارتی خود را در مورد میزان و حدود اختیار استفاده بانکها و دیگر مؤسسات مالی از ارز دیجیتال را تبیین نمایند. علاوه بر این، تنظیم‌کنندگان مقررات پولهای ملی اکنون این موضع را تصور می‌کنند که روند تبدیل بین پولهای سنتی و ارزشهای مجازی بر ارزش ارزشهای سنتی و یکپارچگی سیستم پول ملی تأثیر می‌گذارد، بنابراین تنظیم‌کنندگان مقررات، نظارت بر فرآیند تبدیل را کنترل می‌کنند.

رگلاتورهای (تنظیم‌کنندگان مقررات) سنتی پولهای ملی از اختیارات قانونی کافی جهت جلوگیری از تمام استفاده‌های ارزشهای مجازی برخوردار نیستند. با این حال، آنها اختیار کافی برای پیچیده کردن و ممانعت از فرآیند توسعه این ارزشها و گسترش کاربردهای ارزشهای دیجیتال را دارا می‌باشند. اعمال این اختیارات نه از طریق کنترل مستقیم بر ارزشهای دیجیتال بلکه به جای آن از طریق قدرت نظارت بر مؤسسات مالی و تمامیت پول ملی اعمال می‌گردد.

فصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه حقوق فارس



آنها عموماً این وظیفه را با حفظ ارزش پول ملی و حفظ اعتماد شهروندان نسبت به ارزش پول ملی اجرا می‌کنند. بر این اساس، بیشتر تنظیم‌کنندگان مقررات (قانون‌گذاران) ارز صلاحیت قانونی جهت منع یا ممنوعیت استفاده از ارزشهای مجازی را ندارند. در عوض، تمامی اقداماتی که تنظیم‌کنندگان مقررات در مورد ارزشهای دیجیتالی انجام می‌دهند باید به عنوان فعالیت‌های لازم جهت محافظت از ارزش پول ملی یا حفظ

خانه منتقل گشته و ارسال می‌شود و ایمن سیستم اکنون با بیت‌کوین ادغام گردیده و توانایی ارز دیجیتالی را برای پردازش برخی از آن انتقال پول بین‌المللی فراهم می‌آورد.

در بسیاری از کشورها، اختیار نظارتی (مقررات‌گذاری) بانکهای ملی و سازمانهای دولتی مسئول نظارت بر پول قانونی بسیار محدود است. بیشتر این اشخاص (نهادهای) صرفاً وظیفه محافظت از یکپارچگی پول ملی را بر عهده دارند.





## مالیات بر توهم

در اواخر دولت یازدهم برآوردی نه چندان قابل اعتماد، نشان داد که در ایران ۲/۵ میلیون خانه خالی وجود دارد. هرچند این آمار پایه علمی نداشت یا مبنای آن اعلام نشد اما همین عدد مستمسکی شد در دست کسانی که همواره در پی یافتن مقصری غیر از علل اصلی یک ناهنجاری اقتصادی هستند.

از همان هنگام این گروه علت اصلی بالا رفتن اجاره املاک را احتکار املاک در دست عده‌ای خدانشناس تشخیص داده و به همین دلیل انتقام از این محترکان خبیث را در برنامه کاری خود قرار دادند. متعاقب جهش ناگهانی و ۸ برابری قیمت دلار و تورم بالای ۴۰ درصدی چند سال اخیر و تاثیر این افزایش و تورم بر قیمت املاک (مانند همه کالاها و دارایی‌های دیگر) اجاره‌بهای واحدهای مسکونی نیز (البته با مقداری تاخیر که طبیعی هم هست) افزایش قابل توجهی یافت که در کلان‌شهرها به دلیل سهم بالای اجاره مسکن در سبد هزینه‌های خانوار فشار زیادی به مردم اجاره‌نشین وارد کرد.

و اما نمایندگان گروه فوق‌الذکر در مراکز تصمیم‌گیری (قوه مقننه و مجریه) به جای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و انبوه‌سازان برای تولید هرچه بیشتر واحدهای مسکونی و برآورده ساختن نیازهای بالقوه به‌ویژه تقاضای روزافزون واحدهای اجاری ناشی از کاهش قدرت خرید، متقاضیان خرید، به انحای مختلف چوب لای چرخ سازندگان واحدهای مسکونی و دارندگان واحدهای اجاری گذاشت.

از جمله این اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تهدید گرفتن مالیات سنگین از سرمایه‌گذاران در واحدهای مسکونی در حدی که آنها را از حضور در بازار املاک منصرف سازد. این در حالی بود که تمام تشویق‌های ممکن را برای رونق سوداگری در بازار سهام ایجاد می‌کردند و علت این‌گونه برخورد دوگانه و خلاف علم اقتصاد را با زبانی عوام‌پسندانه توجیه می‌کردند (و هنوز هم می‌کنند).

علت این بیان یعنی مخالف دانستن این اقدامات در این دو بازار با علم اقتصاد، روشن است، زیرا سوداگری در بازار ثانویه سهام هیچ نفعی برای اقتصاد کشور در بر ندارد و بدون وجود یک برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه اقتصادی نه تنها موجبات رشد در آمد ملی را فراهم نمی‌سازد، بلکه با ایجاد تغییر در نسبت پول به شبه‌پول باعث تورم بیشتر نیز خواهد شد، ضمن آنکه از طریق اعطای انواع رانت‌ها مبالغ هنگفتی به جیب رانت‌خواران حرفه‌ای از جیب مردم مالباخته سرازیر می‌کند. متأسفانه همه این موارد در وقایع دو سال اخیر بازار سهام در اقتصاد کشور به تجربه ثابت شد. در مقابل سرمایه‌گذاری در بازار مسکن حداقل سودش این است که مشوق قدرتمندی برای تولیدکنندگان مسکن است، زیرا انبوه‌ساز هنگام شروع سرمایه‌گذاری در یک پروژه سنگین یک چشمش متوجه بازار خرید است که قادر است سرمایه لازم برای انبوه‌ساز فراهم آورده و از زیان ناشی از خواب سرمایه او جلوگیری کند. هرچند به هر حال سوداگری در تمام زمینه‌های اقتصادی فعلیتی مورد توصیه نیست، ولی تا زمان ایجاد سازوکار منطقی پیش‌فروش و به وجود آمدن حلقه سازنده، بانک (تسهیلات) و خریدار مورد حمایت قانون، وجود تقاضای سرمایه‌ای در بخش

مسکن اجتناب‌ناپذیر بلکه لازم است.

امروزه مشاهده می‌شود که با وجود ادعای سود هنگفت در ساخت‌وساز و سوداگری ملک، هر روزه تعداد تقاضای بخش خصوصی برای تولید مسکن کمتر و کمتر می‌شود، ولی هنوز تصمیم‌گیرندگان در مجلس و دولت نمی‌خواهند بپذیرند که سرمایه فرار است.

۲. در جریان بودن تصویب مالیات بر عایدی سرمایه آن هم با آن شکل غیر کارشناسانه یکی دیگر از عوامل عدم رغبت سرمایه‌گذاران به ساخت‌وساز بوده است. آنچه به عنوان طرح مالیات بر عایدی سرمایه در مجلس انقلابی مطرح است در واقع اعلام جنگ‌علنی به صنعت ساخت‌وساز است، زیرا در این طرح اولاً به جای عایدی سرمایه، تورم مد نظر قانون‌گذار است. عایدی سرمایه در تمام دنیا عایدی واقعی یعنی عایدی اسمی منهای تورم در نظر گرفته می‌شود با این تعریف در ماه‌های اخیر که نرخ افزایش ملک در همین تهران از نرخ تورم عمومی کمتر بوده، عایدی سرمایه در واقع منفی است.

ثانیاً در این طرح نرخ‌هایی که برای مالیات بر تورم قیمت ملک در نظر گرفته شده بیشتر جنبه انتقامی دارد (سال اول ۴۰ درصد) تا ایجاد عدالت و ثالثاً برخلاف تمام کشورهای اجرا کننده این پایه مالیاتی عایدی سرمایه ناشی از سوداگری در بورس که حتی در ماه‌های اخیر هم با وجود رکود در بورس درباره بعضی از سهام از تورم بیشتر بوده، از پرداخت مالیات معاف شناخته شده است.

هرچند طراحان این مالیات منحصر به فرد در دنیا بیان می‌دارند که سازندگان واحدهای مسکونی مشمول این مالیات نخواهند بود، ولی همان‌طور که گفته شده عمده تقاضا برای واحدهای ساخته شده توسط انبوه‌سازان در کلان‌شهرها از جنس تقاضا برای سرمایه‌گذاری است و از این رو سازندگان از ترس خواب سنگین سرمایه از یک‌طرف و هزینه ساخت بالا از طرف دیگر، با وجود جهش قیمت و سوسه‌انگیز دوره اخیر تمایلی به ساخت‌وساز در شهرها ندارند و بخشی از توان خود را به مناطق بیلاقی اطراف کلان‌شهرها و شهرهای ساحلی دریای خزر و بعضاً کیش انتقال داده‌اند.

جالب است که مجلس و دولت برای رونق بازار سهام همه نوع امتیاز قیمت‌گذاری در کالاهای تولیدی شامل آهن‌آلات، سیمان، کاشی و سرامیک، لوازم بهداشتی، شیشه و مصنوعات پلاستیکی و چوبی مورد مصرف در ساخت مسکن را داده‌اند، ولی شدیداً از بالارفتن قیمت واحدهای مسکونی شگفت‌زده هستند.

جالب‌تر اینکه مسوولان از رکود صدور پروانه ساختمانی با







نگهداری می‌شود. بدیهی است این دو دسته از مالکان املاک علاقه‌ای به واگذاری این واحدها به صورت اجاره نداشتند، زیرا نمی‌خواستند به قول مشاوران املاک ملک‌شان کلید بخورد و از قیمتش کاسته شود. ضمن آنکه اصولاً ماهیت فعالیت این دو گروه در گردش سرمایه معنا پیدا می‌کند.

- بسیاری از واحدهای ساخته شده به ویژه در مناطق گران قیمت کلان‌شهری مثل تهران با استانداردها و در وسعت‌های بالای الگوی مصرف اکثریت مستاجران (معمولاً بالای ۲۰۰ متر مربع) ساخته شده بود و اصولاً اجاره آنها در استطاعت مستاجران متعارف نبوده و نیست.

- در هر صورت این برآورد غیر قابل قبول در همان زمان هم توهم قلمداد شد و هشدارهای لازم به مسوولان برای نیفتادن در این دام داده شد.

با این حال با روی کار آمدن مجلس انقلابی همه این هشدارها و حرف‌های کارشناسی کنار گذاشته شد و قانونی ضعیف و بی‌پشتوانه علمی و بانرخ‌های آن‌چنانی تصویب و به اجرا گذاشته شد و اجرای آن هم به دست سازمانی سپرده شد که با وجود نامی که یدک می‌کشد شناختی نسبت به سازوکار اجرای این قانون ندارد و طبیعی هم هست که نداشته باشد. جمع‌آوری اطلاعات ریز مربوط به واحدهای مسکونی و اداری و تجاری در شهرها معمولاً بر عهده شهرداری‌هاست، کما اینکه شهرداری‌ها سال‌هاست که با داشتن بخشی از این اطلاعات مبادرت به تعیین و وصول عوارض نوسازی و پسماند می‌کنند و غیر از نامتناسب بودن این عوارض برای املاک گران قیمت و نگاه به آن به عنوان یک درآمد پایدار

وجود افزایش وحشتناک قیمت مسکن نیز در تعجب هستند. طبق آمار منتشره کل پروانه‌های ساختمانی در شهر تهران در سال ۱۳۹۹ با سال ۱۳۷۷ تقریباً یکسان و حدود ۷ هزار فقره است در حالی که این تعداد برای سال ۱۳۸۰ متجاوز از ۲۶ هزار فقره بوده است. البته روشن است که آثار این عدم رغبت به ساخت و ساز در کلان‌شهرها خود را در سال‌های آتی و کمبود شدید عرضه در آینده‌ای نزدیک نشان خواهد داد. حال اگر باز هم مجلس و دولت اصرار دارند که قصد خدمتگزاری به طبقات متوسط به پایین هستند، حتماً این طور است.

۳. فشار به موجرین از طریق مصوبه سران قوا برای محدودسازی افزایش نرخ اجاره‌بها و عملاً تمدید اجباری اجاره‌نامه‌ها و در حقیقت تحدید مالکیت آنها، هر چند در سال اول شروع کرونا و برای یک‌سال از هر نظر قابل دفاع بود، ولی ادامه آن در سال‌های بعد می‌تواند نهایتاً به کمبود عرضه واحدهای اجاری منجر شده و دودش به چشم همان اقشار مورد حمایت برود.

خوشبختانه اکثر مستاجران و موجران توجه چندانی به این تصمیمات نکرده و با روش‌هایی با هم توافق می‌کنند، ولی به هر حال همان‌طور که گفته شد تحدید مالکیت موجران می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور به دلیل کاهش عرضه و افزایش هزینه مبادله، اجاره‌بها را بیش از پیش بالا ببرد. ضمن اینکه مجدداً دعوی تاریخی مالک و مستاجر را به دوران قبل از اصلاح قانون مالک و مستاجر بر می‌گرداند.

۴. همه این مقدمه طولانی برای این بود که تازه به اصل مطلب پرداخته شود.

گفته شد که در اواخر دولت یازدهم بحث خانه‌های خالی بالا گرفت و تخمینی برای تعداد آنها در حد ۲/۵ میلیون (علاوه بر ویلاها و اقامتگاه‌های دوم) زده شد. از آنجا که تشخیص خانه‌های خالی در اقتصاد ایران کاری بسیار دشوار و پیچیده است و به همین دلیل در اصلاحیه قانون مالیات‌های سال ۱۳۸۰، مالیات‌گیری از آن حذف شد، بنابراین مشخص نیست که این آمار از کجا به دست آمد. اما در همان زمان عوامل پدیدار شدن این عدد عجیب و غریب به شرح زیر دسته‌وگریخته تبیین شد:

- رکورد غیر قابل تکرار تعداد پروانه‌های صادره سال‌های ۹۱ تا ۹۳ (متوسط ۲۵ هزار در هر سال) که باعث شد میزان خانه‌های ساخته شده در سال‌های ۹۵ و ۹۶ را به طور کلی بالا ببرد.

- بسیاری از این واحدها برای فروش به خریداران شامل سرمایه‌گذاران، اجاره‌داران و مصرف‌کنندگان ساخته شده بود که به دلیل رکود حاکم بر بازار مسکن در آن زمان بیشتر آنها یا توسط سرمایه‌گذاران خریداری شده بود یا توسط خود سازندگان

برای شهرداری‌ها، اشکال دیگری در اجرای آن وجود نداشته است. اتفاقاً در همان سال ۸۰ که قانون مالیات‌های مستقیم به طور اصولی زیوررو شد، تعیین و وصول، مالیات خانه‌های خالی همراه با مالیات سالانه املاک و اراضی بایر از این قانون حذف و قرار شد به شهرداری‌ها سپرده شود، ولی متأسفانه شهرداری‌ها به دلیل برخورداری از درآمدهای سهل‌الوصول و کلان فروش فضای شهری رغبتی به این امر نشان ندادند. در همان هنگام مسوولان نظام مالیاتی از پر هزینه و پیچیده بودن اخذ چنین مالیاتی شاکتی بودند و هزینه تشخیص و وصول مالیات بر خانه‌های خالی را به مراتب بیشتر از درآمد آن می‌دانستند و هنوز این اعتقاد وجود دارد که بر همین باور باقی مانده‌اند به همین دلیل علاقه‌ای به درگیر شدن در مباحث مربوط به این مصوبه نداشته و بیان می‌دارند اگر وزارت مسکن و شهرسازی واحدی را به عنوان واحد خالی معرفی کردند ما صرف‌نظر از صحت و سقم آن، اقدام به وصول خواهیم کرد که



البته از نظر نگارنده این سطور این طرز برخورد سازمان مالیاتی قابل قبول نبوده و مردم مستاصل به هر حال این سازمان را مسوول درگیری بیهوده خود می‌دانند.

به طور طبیعی تعدادی از مالکان واحدهای مسکونی بدون هر نوع سوء نیتی و قصد احتکار اصولاً از ابتدا برای فروش، واحد یا واحدهای مسکونی را ساخته یا خریداری کرده‌اند و قصدی برای اجاره نداشته‌اند، از طرف دیگر طبیعی است که در شرایط رکودی و تورم بالا، مالکان عجله‌ای برای فروش ملک خود نداشته باشند چون برحسب شرایط رکودی یا تورمی شدید این تعجیل ممکن است به زیان آنها منجر شود به‌ویژه در دورانی که به دلیل اعمال سیاست‌های اشتباه اقتصادی دولت‌ها هیچ نوع امکان سرمایه‌گذاری در دارایی‌های دیگر برای آنها وجود نداشته باشد. اینکه انتظار داشته باشیم در چنین شرایطی سرمایه‌گذار ملک خود را بفروشد و وجوه آن را به بازار نابسامان سهام منتقل یا در بانک سپرده‌گذاری کرده و هر ساله ۲۰ درصد از ارزش واقعی دارایی خود را از دست بدهد انتظاری خلاف عقل و منطق است.

از طرف دیگر در هر بازاری از جمله بازار اجاره طبیعی است که یک حد موجودی وجود داشته باشد، به عبارت بهتر در بازار اجاره مانند سایر بازارها عرضه همواره باید از تقاضای بالقوه کمی بیشتر باشد، زیرا مثلاً کسی که امروز باید خانه استیجاری خود را تخلیه کند نمی‌تواند منتظر این باشد که کس دیگری در همان روز خانه دلخواه او را تخلیه کند. بنابراین همواره باید تعدادی واحد مسکونی خالی منطبق با سلاقی و امکانات مالی مختلف در بازار وجود داشته باشد. با فرض قبول این استدلال می‌توان انتظار داشت که با توجه به عوامل فوق همواره تعدادی واحد مسکونی خالی در بازار وجود داشته باشد. در ایران به این دو عامل، عامل سومی را می‌توان افزود و آن مجاز بودن بانک‌ها به همه نوع سرمایه‌گذاری از جمله سرمایه‌گذاری در املاک است.

با وجود این انتظار که دولت‌ها و حداقل کمیسیون‌های تخصصی مجلس باید بر این بدهی‌ها واقف باشند، ولی متأسفانه مشاهده شد که این قانون مالیات بر خانه‌های با این شکل و شمایل غیر متعارف تصویب و برای اجرا در اختیار سازمانی گذاشته شد که خود به این توهم دامن زده بود و برای اثبات این نظریه طبیعی است که دست به هر کاری بزند.

با این اوصاف طبق آخرین آمار در اختیار و با وجود پایان یافتن تمام مهلت‌های قانونی، تعداد خانه‌های خالی کشف شده به ۶۰۰ هزار واحد هم نمی‌رسد و از آن بدتر تعداد واحدهایی که پذیرفته‌اند مالیات بر واحد مسکونی خالی را تاکنون بپردازند به یک‌هزارم این تعداد محدود باشد. از روش اشتباه به کار گرفته شده





توسط وزارت راه و شهرسازی می‌توان به این نتیجه رسید که به طور قطع تعداد خانه‌های خالی مشمول این قانون به مراتب کمتر از رقم اعلام شده است.

این روش که به طور حیرت‌آوری خلاف اصول و عدالت بنا شده است بر این پایه متکی است که اثبات نادرستی ادعا با مدعی علیه است و این درحالی است که در تمام نظام‌های حقوقی دنیا شامل نظام حقوقی ایران، اثبات ادعا با مدعی است. در این روش با وجود دسترسی وزارت مسکن (وزارت راه و شهرسازی) به تمام سوابق ثبتی ملکی مردم، از مردمی که الزاما امکان تکمیل اطلاعات مفصل، پیچیده و غیرضرور را در سامانه طراحی شده ندارند، می‌خواهد که به اصطلاح خوداظهاری کنند.

سوال اینجاست که اصولا چرا باید کسی که خود را مشمول مالیات خانه‌های خالی نمی‌داند خود اظهاری و اطلاعاتی را تکمیل کند که قاعدتا به‌طور سیستمی در اختیار دولت است مگر آنکه قصد بر این باشد که دولت عدم ورود به سامانه را دلیلی بر داشتن خانه خالی شخص مستنکف بداند و از این طریق بخواهد توهم خود را به اثبات برساند. جالب‌تر آنکه در صورت عدم ورود مالکان به سامانه از همان اطلاعاتی که در صورت ورود اشخاص به سامانه باید ارائه می‌شود، استفاده شده و مالکان را بدون اعلام مشخصات مورد ادعا، مشمول مالیات خانه خالی کرده و به سازمان مالیاتی جهت وصول مالیات اعلام می‌دارند. سازمان مالیاتی نیز بدون ورود به صحت و سقم این ادعا و بدون پذیرش مسوولیت فورا اقدام به صدور اخطار وصول می‌کند.

این نوع شیوه مالیات‌گیری واقعا نوبر است و انسان را به یاد داروغه داستان رابین‌هود می‌اندازد. اگر وزارت مسکن به راستی قصد شناسایی واحدهای خالی را داشت راهکار خیلی ساده‌تری برای حفظ حقوق ملت وجود دارد و آن اینکه با اطلاعات کاملی که وزارت مسکن از طریق پایگاه اطلاعاتی ثبت اسناد در اختیار دارد و طبق آن می‌تواند به کلیه املاک مالکان و سهم مالکیت آنها دسترسی پیدا کند خود اقدام به تکمیل سامانه کند و فقط در صورت نیاز از طریق پیامک کسری اطلاعات را از مودی دریافت کند.

حتی با دسترسی وزارت مسکن به بانک اطلاعاتی شرکت‌های برق منطقه‌ای امکان کنترل وجود ساکن در واحد مسکونی مورد نظر وجود دارد و حداکثر درخواست از مالک برای ارسال تصویر مدرک (مثلا اجاره‌نامه) می‌تواند به فرآیند کشف و خالی بودن واحدهای مسکونی کمک کند. مشکل اینجاست که اگر وزارت مسکن از طریق روش‌های متعارف اقدام به شناسایی واحدهای خالی کند احتمالا پیش‌بینی کارشناسان که وجود چنین تعداد زیادی واحد خالی را ناشی از توهم طراحان می‌دانستند، درست از آب

درمی‌آید که زیاد خوشایند آنان نیست.

با این حال از دولت انتظار می‌رود که اجازه ندهد در این شرایط فشار عصبی به مردم وارد شود و هرچه سریع‌تر این سیستم را در جهت آسودگی خاطر شهروندان اصلاح کند. به باور نویسنده این سطور این امکان که تعداد واحدهای مسکونی خالی در کشور بیشتر از استاندارد جهانی باشد، وجود دارد ولی برخورد اینچنینی با این پدیده که خود معلول سیاست‌های غلط دولت‌هاست، صرفا به درگیری اداری و احتمالاتی حرمتی و در نتیجه نارضایتی شهروندانی که بدون دلیل مورد اصابت این قانون غیر منطقی و اجرای ناسازگار آن قرار گرفته و می‌گیرند، خواهد انجامید.

منبع: روزنامه دنیای اقتصاد



## صندوق تامین اجتماعی یا شیشه عمر بیمه شدگان

غلامحسین دوانی

تشکیل صندوق بازنشستگی بیمه شدگان حاصل مبارزات جامعه کار و تولید قرن نوزدهم و به منظور صیانت از جامعه کار و تولید صورت گرفته است.

در همین راستا تاسیس سازمان تامین اجتماعی و بالطبع آن تشکیل صندوق بازنشستگی در سال ۱۳۵۴ محصول جامعه سرمایه‌داری صنعتی بود. بررسی مفاد قانون تامین اجتماعی و مقررات پشتوانه‌ای آن نشان‌دهنده یکی از مترقی‌ترین قوانین در منطقه بوده است. بر اساس ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی منابع درآمد سازمان به شرح زیر است:

۱. حق بیمه از اول مهر ماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان بیست و هشت درصد مزد یا حقوق است که هفت درصد آن به عهده بیمه‌شده و هجده درصد به عهده کارفرما و سه درصد به وسیله دولت تامین خواهد شد

۲. درآمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان

۳. وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون

۴. کمک‌ها و هدایا

تبصره-۱ از اول سال ۱۳۵۵ حق بیمه سهم کارفرما بیست درصد مزد یا حقوق بیمه‌شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه‌شده و کمک دولت کل حق بیمه به سی درصد مزد یا حقوق افزایش می‌یابد.

تبصره-۲ دولت مکلف است حق بیمه سهم خود را به طور یکجا در بودجه سالانه کل





حالی که سالانه حدود ۳۰ الی ۵۰ هزار میلیارد تومان هم به تعهدات دولت افزوده می‌شد.

اگرچه در قانون بودجه سال ۱۳۹۸ پرداخت سالیانه ۵۰ هزار میلیارد تومان از بدهی دولت به سازمان پیش‌بینی شده اما این الزام به پرداخت، نه در سال مذکور و نه در سال‌های بعد تحقق نیافت مضافاً ماهانه بر مبلغ بدهی دولت انباشته می‌شد.

دولت در زمینه تولید آمار نادرست شهره است. «همه دولت‌ها» برای فریبکاری در سال ۱۳۹۹ مدعی شدند که کل دیون دولت به سازمان تامین اجتماعی کمتر از ۷۰ هزار میلیارد تومان است در حالی که آمار به‌روزشده منتشره توسط مرکز پژوهش‌های مجلس و همچنین خود سازمان تامین اجتماعی و رسانه‌های مستقل مدعی هستند بدهی دولت به سازمان تا پایان سال ۱۳۹۹ حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است. این اختلاف فاحش به مساله «به‌روزرسانی بدهی‌ها» مربوط است؛ دولت اگرچه در سال ۱۳۹۶ با ارز جهانی‌گیری حدود ۴۰ میلیارد دلار ثروت عمومی را با نرخ ۴۲۰۰ تومان به برخی ویژه‌خواران واگذار کرد، مدعی بوده که باید بدهی پرداخت نشده را به نرخ اسمی و یا با اعمال نرخ اوراق مشارکت ساده تسویه کند.

در حالی که بیمه‌شدگان به عنوان صاحبان اصلی صندوق تامین

کشور منظور و به سازمان پرداخت کند.

تبصره ۳- سازمان باید حداقل هر سه سال یک بار امور مالی خود را با اصول محاسبات احتمالی تطبیق و مراتب را به شورای عالی گزارش دهد. دولت از ابتدای انقلاب، نه تنها از پرداخت ۳ درصد حق بیمه سهم دولت برای بیمه‌شدگان عادی بلکه از پرداخت سهم خود برای گروه‌های بیمه‌شده خاص که با مصوبات نمایندگان مجلس، به سازمان تحمیل شده‌اند، اجتناب کرده و بر همین اساس میزان بدهی دولت به ارقام نجومی فعلی رسیده است به طوری که کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند اگر دولت تعهدات خود را به موقع پرداخت کرده بود الزاماً و حتماً جامعه کار و تولید ناچار نبودند پس از بازنشستگی هم راننده اسنپ و یا کارگر روزمزد سایر کارخانجات شوند و احتمالاً مجموع دارایی‌های بیمه‌شدگان بالغ بر ۱۰۰۰ تریلیون تومان و یا شاید بیش از ۵۰ میلیارد دلار می‌شد.

با استناد بند «ه» ماده «۷» قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مقرر شده بود «مطالبات سازمان‌ها، صندوق‌ها و موسسات بیمه‌ای فعال در قلمروهای نظام تامین اجتماعی از دولت بر مبنای ارزش واقعی روز و براساس نرخ اوراق مشارکت پرداخت خواهد شد.» مضافاً به موجب تصویب‌نامه شماره ۶۱۸۱۴/ت/۴۷۷۸۰-ه مورخ ۳/۴/۱۳۹۱ هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۴/۳/۱۳۹۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۹۸۰۱۴ مورخ ۱۳۹۰/۱/۱۰ معاونت حقوقی رییس‌جمهور و به استناد اصل (۱۳۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

مابه‌التفاوت اصل تعهد دولت بابت سهم دولت از حق بیمه مشمولین صندوق تامین اجتماعی و ارزش روز آن در زمان پرداخت، موضوع بند «ه» ماده «۷» قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳، حق بیمه تلقی و مشمول حکم بند «ج» ماده (۱۳۹) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم - مصوب ۱۳۸۰ می‌گردد و از پرداخت مالیات معاف است.

متأسفانه از سال ۱۳۵۸ دولت نه تنها از پرداخت تعهدات تکلیفی خود اجتناب کرده بلکه با تصویب قوانین فراتامین اجتماعی تعهدات عدیده مالی را برای صندوق تامین اجتماعی فراهم کرده که عملاً بار آن متوجه بیمه‌شدگان شده است؛ به طوری که از سال‌های ۱۳۷۸ به بعد هر سال شاهد کاهش تعهدات درمانی سازمان تامین اجتماعی و عملاً آب رفتن مستمری بیمه‌شدگان از یک طرف و افزایش سهم بیمه‌شدگان از سبد درمان شده‌ایم. در واقع دولت‌ها چنان در پرداخت بدهی انبوه خود به صندوق بیمه‌شدگان تعلل ورزیده‌اند که سازمان تامین اجتماعی عملاً از سال ۱۳۹۶ ناچار به اخذ تسهیلات بانکی با سود کلان شد در

به انباشت دیون دولت نشان دهنده این موضوع است که اگر تا پایان سال ۱۳۹۹ دیون دولت بالغ بر ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بوده باشد با توجه به بدهی جاری ماهانه که حدود پنج هزار میلیارد تومان است سالانه به قیمت اسمی ۶۰ هزار میلیارد تومان به آن اضافه خواهد شد. لذا تا پایان سال ۱۴۰۰ رقم مطالبات بیمه‌شدگان به ۴۶۰ هزار

میلیارد تومان نزدیک خواهد شد در حالی که در متن لایحه بودجه هیچ بندی پیرامون بازپرداخت دیون دولت به سازمان وجود ندارد و جالب اینکه شستا داوطلب خرید بخشی از سهام دولت در هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس هم شده است.

مثل این می‌ماند که ما از کسی طلبکار باشیم و او از دادن بدهی خودداری و بعد بدهکار بخشی از اموال خود را به بالاترین قیمت عرضه و طلبکار نگویند بخت داوطلب خرید این دارایی به صورت نقدی هم باشد.

باید سازمان تامین اجتماعی کوشش کند این سهام را به عنوان بخشی از مطالبات خود تهاتر کند نه اینکه داوطلب خرید نقدی آن باشد.

بیمه‌شدگان مدعی هستند مستفاد از رای شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۰۸۹ مورخ ۱۷-۰۱-۱۴۰۰ دیوان عدالت اداری که اشعار داشته «هر شخصی که عامل حادثه است و در به وجود آوردن حادثه‌ای که موجب هزینه برای سازمان تامین اجتماعی شده، مقصر باشد باید مسوول جبران خسارت وارده شود و خسارت وارده به سازمان مذکور را جبران نماید. بنابراین محدود نمودن آن به صرف کارفرما مغایر هدف قانونگذار است.» چون دولت مسوول خسارات وارده به صندوق عمر بیمه‌شدگان بوده باید مجبور به پرداخت خسارت هم شود و عدم‌النفع فرصت‌های از دست رفته صندوق تامین اجتماعی هم باشد زیرا اگر دولت به موقع تعهدات خود را انجام داده بود سازمان علاوه بر آن که امروز در تعهدات بخش درمان مشکل نداشت بلکه قدرت مالی و توانمندی ارائه خدمات درمانی رایگان به همه بازنشستگان را نیز می‌توانست دارا باشد و تعهدات ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی و پرداخت مستمری بازنشستگان را مطابق با سبد هزینه‌های زندگی انجام دهد. نمایه زیر که بر مبنای روش‌های مختلف تهیه شده نشان می‌دهد قدرت واقعی مطالبات بیمه‌شدگان از دولت حداقل ۳۵ و حداکثر تا ۸۵ میلیارد دلار بوده است که اگر قرار باشد به روش فعلی به ریال پرداخت شود رقمی حدود ۱۳ میلیارد دلار به نرخ روز خواهد بود که تکافوی آینده بیمه‌شدگان را نخواهد داد.

منبع: جهان صنعت

اجتماعی اعتقاد دارند بدهی انباشته دولت باید براساس نرخ تورم تجمیعی سالیانه و ارزش واقعی آن، محاسبه شود زیرا کدام عقل سلیمی است که قبول کند مطالبات از سال ۱۳۵۸ تاکنون خود را به قیمت اسمی و بدون لحاظ تاثیر قدرت خرید یا اعمال سود مرکب انباشته مطالبه کند؟

در واقع از سال ۱۳۸۴ تاکنون دولت‌های مستقر در به زوال کشاندن صندوق عمر بیمه‌شدگان گوی سبقت را از همه دولت‌های پیشین ربوده‌اند و دولت فعلی هم ظاهراً مسیری متفاوت را نشان می‌دهد؟ بررسی سوابق تهاتر بیمه دولت با واگذاری سهام و دارایی نشان داده که دولت در ارزیابی آنها به قیمت روز و با اعمال نرخ ارز آزاد عمل کرده است یعنی به طریق اولی نه تنها مطالبات بیمه‌شدگان را به روزرسانی نکرده بلکه اموال تهاتری خود را اتفاقاً دولاپهنا حساب کرده است. این در حالی است که موضوع ارزش روز مطالبات به عنوان یک اصل عمومی در کلیه مناسبات داخلی و خارجی پذیرفته شده است زیرا این یک واقعیت مسلم است که در اقتصاد متورم ایران، وقتی دیون به موقع پرداخت نشده و مشمول گذر زمان شود، باید به نرخ روز، بازمحاسبه شده و مجدداً تعیین قیمت شود. نظیر دیون ناشی از مطالبات بانک‌ها و یا تعیین مهریه ازدواج به قیمت روز که هر ساله صورت می‌گیرد.

اما دولت آقای روحانی که در مقابله با بیمه‌شدگان گوی سبقت را از دولت قبلی ربوده بود در تاریخ شانزدهم اردیبهشت ۹۷ مصوبه‌ای را منتشر کرد که ادعا داشت سازمان تامین اجتماعی مطالبات خود را براساس «بهره مرکب» محاسبه کرده و از آنجا که بهره مرکب، خلاف شرع است، لذا دولت این مبلغ محاسبه سازمان «که اتفاقاً آن هم رقم مطالبات بیمه‌شدگان از دولت را کمتر از واقع نشان می‌داد» قبول نداشته و به موجب همین مصوبه آیین‌نامه تنظیم بند «ت» ماده «۸» برنامه ششم توسعه اجتماعی - اقتصادی که متضمن «به‌روزرسانی بدهی دولت به سازمان» است باید به کلی حذف شود.

در پیامد این مصوبه ضدکارگری که علیه جامعه کار و تولید بود قانون بازنشستگان استان تهران طی شکایتی به دیوان عدالت اداری خواستار جلوگیری از حقوق بیمه‌شدگان درمورد بازپرداخت دیون دولت شد. هیات عمومی دیوان عدالت اداری پس از مذاکرات مفصل اقدام به صدور رای به نفع بیمه‌شدگان کرد که بر این اساس دولت مکلف شد مطالبات سنواتی بیمه‌شدگان از دولت را «به روزرسانی» کند.

در واقع رای دیوان مبتنی بر این بود که دولت باید به‌روزرسانی بدهی خود به تامین اجتماعی را پذیرفته و نمی‌تواند با تصویب مصوبه، از زیر بار پرداخت بخشی از بدهی شانه خالی کند. نگاهی





## ضمانت نامه بانکی و کاربرد آنها در قراردادهای و معاملات

تعریف ضمانت نامه بانکی، انواع ضمانت نامه های بانکی و کاربرد آنها، شرایط صدور ضمانت نامه های بانکی، پرکاربردترین نوع ضمانت نامه های بانکی، معایب و مزایای ضمانت نامه های و اصل استقلال ضمانت نامه ها از قرارداد پایه در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد.

تعریف ضمانت نامه بانکی، انواع ضمانت نامه های بانکی و کاربرد آنها، شرایط صدور ضمانت نامه های بانکی، پرکاربردترین نوع ضمانت نامه های بانکی، معایب و مزایای ضمانت نامه های بانکی و اصل استقلال ضمانت نامه ها از قرارداد پایه در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد.

### ضمانت نامه بانکی چیست؟

ضمانت نامه بانکی قرارداد یا سندی است که به موجب آن صادرکننده حسب درخواست متقاضی تعهد می کند عندالمطالبه یا در سررسید معینی مبلغ معینی را از بابت موضوع خاصی که مربوط به متقاضی است به ذینفع یا به حواله کرد او پرداخت کند.

ضمانت نامه های بانکی تعهد قراردادی میان بانک و مشتری هستند اغلب در معاملات تجاری و هم در معاملات شخصی مورد استفاده قرار می گیرند ضمانت نامه های بانکی به منظور تسهیل تجارت و رونق کسب و کارها شرایطی را ایجاد می کنند تا معامله کنندگان در فضای امن تری و با اطمینان خاطر بیشتری اقدام به معامله و انعقاد قرارداد نمایند.

### ضمانت نامه حسن انجام تعهد

این نوع ضمانتنامه در قراردادهای کار و تعهدات ناشی از امضای پیمان اخذ می‌شود این نوع ضمانت نامه برای تضمین حسن انجام تعهدات و اجرای تعهدات قراردادی در موعد معین صادر می‌گردد.

### ضمانت نامه پیش پرداخت

در قراردادهای پیمانکاری و قرارداد کار کاربرد دارد در مواردی ممکن است کارفرما برای تجهیز کارگاه یا تکمیل لوازم مورد نیاز جهت اجرای عملیات کاری درصدی را به پیمانکار پرداخت می‌کند و در مقابل ضمانت نامه ی پیش پرداخت را از او می‌گیرد با گذشت زمان که تجهیزات کامل می‌شود مبلغ ضمانت نامه هم کاهش می‌یابد.

### ضمانت نامه استرداد کسور وجه الضمان

این نوع ضمانت نامه در قراردادهای کار کاربرد دارد کارفرما برای تضمین حسن انجام کار مبلغی را از پیمانکار دریافت می‌کند این مبلغ معمولاً ۱۰ درصد از صورت وضعیت های پیمانکار می‌باشد که در حسابی نزد کارفرما نگهداری می‌شود.

### ضمانتنامه ریالی حسن انجام کار

این نوع ضمانت نامه در قراردادهای پیمانکاری کاربرد دارد که کارفرما به منظور اطمینان از حسن انجام کار در زمان انعقاد قرارداد کار از کارگران پیمانکار مطالبه می‌کند میزان آن معمولاً ۱۰ درصد مبلغ قرارداد است.

### پرکاربردترین ضمانتنامه ها مربوط به چه معاملاتی است؟

با توجه به معرفی انواع ضمانتنامه ها در نوشتار فوق معلوم شد که پرکاربردترین ضمانتنامه ها ضمانتنامه های مربوط به قرارداد کار و قرارداد پیمانکاری هستند. معمولاً اشخاص برای تضمین منافع مالی و قراردادی خود و برای اطمینان از اجرای تعهدات طرف معامله این شیوه را انتخاب می‌کنند.

### شرایط صدور ضمانت نامه بانکی

برای صدور ضمانتنامه بانکی مسلماً بانک شرایط خاصی برای متقاضیان در نظر می‌گیرد مشتری که متقاضی دریافت ضمانتنامه است باید مطابق مقررات بانکی وثیقه یا وثایق متعددی را که با توجه به توان پرداختش تعیین می‌شود به بانک ارائه دهد به عنوان مثال در زیر به بیان این وثیقه ها می‌پردازیم:  
وجه نقد یا طلا یا اسناد خزانه یا اوراق قرضه دولتی و اوراق

صدور ضمانت نامه ها مانند سایر تسهیلات بانکی در نظام بانکی ایران اهمیت زیادی دارد لذا اعتبارسنجی مشتری از پیش نیازهای اصلی و مهم صدور ضمانت نامه هاست.

درخواست صدور ضمانت نامه از طرف مشتری بانک انجام می‌شود (ضمانت خواه) و مبنای آن قراردادی است که بین ضمانت خواه و ذینفع ضمانت نامه منعقد شده است.

بانک در واقع با صدور ضمانتنامه بانکی متعهد می‌شود که اگر مشتری بانک به تعهدات قراردادی خود در موعد معین عمل نکند با اعلام ذینفع وجه الضمان یا مبلغ مقرر در ضمانت نامه را در وجه ذینفع پرداخت کند.

توجه داشته باشید ضمانت نامه های بانکی غیرقابل انتقال هستند و فقط توسط ذینفع که در ضمانت نامه مشخص شده قابل استفاده می‌باشند.

### انواع ضمانتنامه های بانکی و کاربرد آنها

#### ضمانتنامه های مناقصه یا مزایده

این نوع ضمانت نامه در مناقصه ها و مزایده ها کاربرد دارد؛ به طوری که از شرکت کننده ها برای اطمینان از انجام تعهداتشان و عدم انصراف، ضمانت نامه ای دریافت می‌شود. در صورتی که از سوی شرکت کننده ای ضمانت نامه ای ارائه نگردد از رقابت کنار گذاشته خواهد شد. میزان آن معمولاً ۵ درصد قیمت پایه است.

#### ضمانتنامه ریالی تعهد پرداخت: (ضمانتنامه بازپرداخت)

این نوع ضمانت نامه جهت تضمین بازپرداخت هرگونه وام و تسهیلات دریافتی توسط ضمانت خواه از ذی نفع، دریافت می‌شود.

#### ضمانت نامه گمرکی

این نوع ضمانتنامه از وارد کننده های کالا به کشور اخذ می‌شود در مواردی که نتوانند حقوق گمرکی را یکجا پرداخت کنند گمرک ضمانت نامه هایی با سررسیدهای معین از آنها دریافت می‌کند.

#### ضمانتنامه پیمان

کاربرد آن در قراردادهای پیمانکاری دولتی است دولت به عنوان کارفرما برای اجرای پروژه های عمرانی و تولیدی این نوع ضمانت نامه را از پیمانکاران اخذ می‌کند.





به منع پرداخت را صادر نماید.

### معایب ضمانتنامه های بانکی

برخی اشخاص که آمادگی و مهارت کار دارند ولی برای تضمین و اثبات اعتبار کاری خود پشتوانه ای ندارند و از شرط رایبه وثیقه برای دریافت ضمانت نامه هم برخوردار نیستند مسلماً برای انعقاد قرارداد کار با دیگران به مشکل برمی خورند. و به نوعی از کسب و کاری که در آن تخصص دارند محروم می شوند.

### مزایای ضمانتنامه های بانکی

بهره مندی از ضمانت نامه های بانکی موجب رشد کسب و کارها افزایش معاملات تجاری و افزایش کارآفرینی می شود. ضمانت نامه های بانکی اعتبار متقاضی و قرارداد را افزایش می دهد و اشخاص با اطمینان بیشتری میل به انعقاد قراردادها و انجام معاملات پیدا می کنند که نتیجه آن رشد اقتصاد کشور است مهمترین مزیت ضمانت نامه های بانکی ایجاد شرایط ویژه و اعتبار بخشی به شرکتها و مشاغل کوچک است به عبارتی بانک مانند یک شریک تجاری در کنار صاحب کسب و کار برای ذینفع اطمینان و امنیت در معامله را ایجاد می نماید.

مشارکت منتشره بر اساس مجوز بانک مرکزی یا سپرده سرمایه گذاری مدت دار یا حساب های پس انداز قرض الحسنه نزد بانک یا گواهی های سپرده های سرمایه گذاری مدت دار یا اوراق قرض الحسنه یا حساب های ارزی یا حساب سرمایه گذاری مدت دار متقاضی نزد سایر بانکها.

تضمین بانکها یا موسسات اعتباری غیربانکی معتبر خارجی. سفته با ضمانت قابل قبول بانک، اموال غیرمنقول، برگ وثیقه انبارهای عمومی مربوط به کالا، سهام شرکت هایی که در بورس پذیرفته شده باشند، کشتی و هواپیما.

### استقلال ضمانت نامه های بانکی از قرارداد پایه

اصل استقلال ضمانت نامه بانکی از قرارداد پایه به این معناست که ایرادات و اختلافات مربوط به رابطه میان متقاضی ضمانت نامه و ذی نفع در رابطه قراردادی خود ربطی به اعتبار و اجرای ضمانتنامه بانکی ندارد به عبارتی بانک تنها با توجه به تعهد مستقلی که در برابر ذینفع ضمانتنامه دارد موظف است بدون قید و شرط ضمانت نامه بانکی را پرداخت کند.

البته در مواردی که متقاضی ضمانت نامه بتواند حيله و تقلب و سوء استفاده ذینفع را بر مبنای مطالبه ناروای وجه ثابت کند دادگاه می تواند بر خلاف اصل استقلال قراردادی دستور موقت



## ده فرمان مالیاتی: مالیات ستانی با کدامین اهداف؟

اگر عدالت اجتماعی را تخصیص منابع در جامعه بدانیم، مالیات در پرتوی سیاست مالیه تنها ابزار این مهم به شمار می‌رود.

درواقع مالیات یک ابزار حکومتی برای تامین منابع حکمرانی خوب و برقراری ایستگاه‌های توسعه‌ای در هر برهه زمانی است؛ مالیات بیشتر باید با گسترش پایه‌های مالیاتی و بسط چتر مالیاتی و شناسایی مالیات‌گریزان و اخذ قاطعانه مالیات از آنها باشد نه بر پایه بودجه. منابع عظیم خدادادی ایران شامل ۱۵۳۰۰ میلیارد دلار منابع گازی و ۷۰۰۰ میلیارد دلار منابع نفتی و ۸۰۰ میلیارد دلار منابع معدنی در کنار ارزش افزوده جامعه کار و تولید معادل سالیانه معادل ۱۰۸ میلیارد دلار است (۳۰ میلیون نیروی کار با صرف سالیانه ۱۸۰۰ ساعت کار با ساعتی ۲ دلار که می‌تواند با یک راهبرد توسعه‌ای مردم‌نهاد دست‌یافتنی باشد). با وجود این منابع عظیم هنوز نه تنها مردم در حسرت توسعه هستند که بیش از سی درصد جامعه زیر خط فقر بسر می‌برند! مضافاً بر آنکه منابع زیرزمینی تجدیدنپذیر (ثروت بین‌نسلی) از سالیان پیش توسط نسل‌های حاکم خرج شده و منافع نسل آتی پایمال شده است.

### حکمرانی خوب مالیاتی

با اجرای درست حکمرانی خوب مالیاتی که خود زیر مجموعه حکمرانی خوب بشمار می‌رود شهروندان بخشی از درآمد خود را به دولت‌ها در قالب مالیات می‌پردازند و به دولت اختیار می‌دهند این درآمدها را برای اداره امور کشور، اجرای سیاست‌های مالی، تامین کالاها، خدمات عمومی و ضروری،



آموزش، بهداشت، توسعه و رفاه اجتماعی در سایه پرداخت این هزینه به دست می آید، همچنین توزیع عادلانه و به تبع آن عدالت اجتماعی مستلزم اعمال مدیریت اقتصادی در بازار و وضع قوانین شفاف برای حمایت از اقشار آسیب پذیر و رفع نیازهای آنان است.

در حقیقت وضع قوانین مالیاتی از راهکارهای ضروری برای رسیدن به عدالت اجتماعی به شمار می آید. برای دستیابی به عدالت اجتماعی، باید سیاست مالییه متضمن حکمرانی مالیاتی دولت این امکان را بوجود بیاورد که بر جریانات و مسائل اقتصادی کشور و افزایش درآمدها و ثروت ها نظارت و کنترل داشته و از رکود و فساد اقتصادی جلوگیری کند.

انواع مالیات و نرخ های مالیاتی، به شیوه های متفاوتی در تحقق عدالت اقتصادی موثر هستند. مالیات های مستقیم که به طور مستقیم از دارایی و درآمد افراد وصول می شود در تامین عدالت اجتماعی نقش بسزایی دارد زیرا اشخاص پرداخت کننده نمی توانند آن را به دیگری منتقل سازند و اگر براساس درآمد تنظیم گردد، مانع از تمرکز ثروت در دست عده ای خاص خواهد بود.

به این جهت فاصله های طبقاتی را ترمیم و یا تعدیل می کند. از سوی دیگر مالیات های غیر مستقیم مانند مالیات بر ارزش افزوده که بر قیمت کالاها و خدمات اضافه می شود نیز از آنجایی که بر مصرف و فروش تمرکز دارد می تواند در تحقق عدالت اقتصادی موثر باشد زیرا هرکس که بیشتر مصرف کند باید بیشتر مالیات پرداخت نماید. همچنین نرخ مالیات تصاعدی به عنوان یکی از اجزای مالیات نیز تأثیر به سزایی در این حوزه دارد، به این صورت است که آنانی که از درآمد بیشتری برخوردارند به صورت تصاعدی درصد بیشتری از درآمدشان را باید به عنوان مالیات پرداخت کنند. از این رو، میزان مالیات هماهنگ با میزان رشد درآمد افزایش می یابد. در نوع تصاعدی ثروتمندان به مراتب بیشتر از فقرا مالیات می پردازند و قشرهای فقیر جامعه در مالیات سهم بسیار کمتری دارند.

دولت ها برای تامین هزینه های خویش می کوشند از منابع مختلف درآمدی بهره مند شوند. بدین ترتیب که یک قسمت از درآمدهای دولت از طریق اموال و بهره برداری از منابع طبیعی و تصدی اعمال انتفاعی (مانند فروش برق، گاز و...) و درآمد حاصل از خدمات مختلف (خدمات پستی، حمل و نقل و انحصارات دولتی و...) به دست می آید. با این حال مهمترین منبع درآمدی دولت از طریق وصول مالیات ها تامین می شود.

مالیات در واقع بهایی است که افراد در مقابل استفاده از خدمات دولتی می پردازند. بر این اساس افراد باید متناسب با بهره مندی از خدمات دولتی، مالیات بپردازند. شایان ذکر است که مالیات علاوه

تضمین امنیت، اجرای برنامه های توسعه و عمرانی کشور مورد استفاده قرار دهد. در این بین گسترش و تنوع فعالیت های اقتصادی، نقش فزاینده دولت ها در گسترش خدمات عمومی و همچنین گسترش تعهدات دولت ها در عرصه های اقتصادی و اجتماعی، مالیات را به مساله ای مهم و تاثیرگذار تبدیل کرده و کارکردهای اصلی ابزار مالیات را به تامین درآمدهای عمومی کشور، گسترش عدالت (باز توزیع ثروت)، تخصیص دوباره منابع از طریق توسعه اقتصادی و ثبات اقتصادی تغییر داده است.

در این تعریف نمی توان شهروندان مالیات پذیر را به خودی و غیر خودی یا مشمول و معاف تبدیل کرد.

نگارنده بخوبی آگاه است دست کم ۳۰ تا ۴۰ درصد بخش های اقتصادی پنهان و آشکار به طرق مختلف مانند معافیت های نابجا و... از پرداخت مالیات مستثنی شده اند اما هزینه کشور بر دوش آن ۶۰ درصدی است که مالیات می دهند. مقایسه آمار مالیات دریافتی سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۹ که بترتیب معادل ۳۹۵ و ۱۹۲۹ هزار میلیارد ریال بوده بیانگر رشد ۴۸ برابری مالیات است آن هم در شرایطی که اقتصاد کشور عملاً سقوط کرده و در بحران بوده است.

مقایسه همین دوعدد با نرخ دلار در سال های یادشده که بترتیب برابر ۳۸۰۰ و ۲۷۵۰۰ تومان بوده «۷.۲ برابر» نیز نشانگر افزایش قابل ملاحظه درآمدهای مالیاتی در سال های مذکور است.

متأسفانه در قبال این افزایش، کالاها و خدمات ارائه شده دولتی بشدت کاهش داشته است. در عین حال روند دائمی مخارج دولت عامل مهمی است که تأثیرات این افزایش مالیات را بر رشد اقتصادی خنثی و یا ناچیز می نماید. مضافاً سیر نابخردی مسئولان چنان بوده که علیرغم افزایش قابل ملاحظه درآمدهای مالیاتی، به دلیل فقدان سیاست و اقتصاد و غرق شدن در رویاهای سحرآمیز، تورم از مرز ۴۰ درصد گذشته و ۱۰۵ میلیون نفر از شاغلان طی یک سال اخیر از جمعیت فعال کشور خارج شده اند.

اتاق بازرگانی نیز گزارش داده که سالانه ۱۱ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج می شود. نکته حائز اهمیت این است که آمارهای مالیاتی کشور در ده ساله اخیر که از تارنمای سازمان مالیاتی استخراج شده نشان می دهد که مالیات کلیه نهادهای غیرپاسخگو و همان موسسات معاف و مالیات گریز حداکثر سالانه ۱۰۰۰ میلیارد ریال است؛ این مبلغ معادل پول یک آپارتمان ۴۰۰ متری در «برج روما و فلورا» اهدائی به متهم پرونده فساد معروف قوه قضائیه است.

### مالیات و تحقق عدالت

اگر مالیات را پولی بدانیم که مردم یک کشور برای استفاده از امکانات عمومی به دولت پرداخت می کنند، واضح است ایجاد امنیت،



بر آن که در تامین هزینه‌های دولت تاثیرگذار است می‌تواند نقش ابزاری در سیاست‌گذاری‌های دولت نیز ایفا کند از مهمترین اهداف وضع مالیات در جامعه می‌توان به توزیع مناسب درآمد، تحقق عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد، مهار تورم، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تحقق رقابت‌پذیری، تحقق رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و پرشتاب متناسب با اهداف چشم‌انداز، ایجاد اعتماد و حمایت از سرمایه‌گذاران، اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای، تلاش برای قطع اتکا هزینه‌های جاری به نفت و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی و... اشاره نمود.

اصولاً دولت‌ها می‌توانند از طریق وضع مالیات بر درآمد اشخاص متمکن و طبقات مرفه و صرف هزینه برای بهبود وضع زندگی طبقات کم‌بضاعت، توزیع درآمد را تعدیل نموده و اعتدال بیشتری از نظر توزیع درآمد بین طبقات مختلف جامعه برقرار سازند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد وضع مالیات فقط برای تأمین هزینه خدمات دولتی نیست، بلکه ممکن است بدون این که بر مجموع عواید مالیاتی دولت افزوده شود، دولت از طریق تغییر سیستم و نرخ‌های مالیاتی موجبات انتقال قدرت خرید از یک طبقه به طبقات دیگر جامعه را فراهم کند.

بدین ترتیب می‌توان به وضوح مشاهده کرد که سیاست مالی نقش چشمگیری در توزیع درآمد و همسان نمودن طبقات جامعه ایفا می‌نماید. بررسی تجربیات کشورهای با ضریب نابرابری پائین نشان از این امر دارد که با به کار بستن اجرای صحیح مالیات بر درآمد و ثروت با تاکید بر احذ مالیات از ثروتمندان می‌توان جامعه را به سمت و سویی سوق داد که در آن فاصله طبقاتی به کمترین حد خود رسیده و هم سطحی در مصرف کالاهای ضروری میان آحاد جامعه برقرار گردد. البته نئولیبرال‌ها «که هواداران آن در ایران عموماً از کاربرد این واژه وحشت و اکراه دارند» بر این عقیده هستند که کاهش مالیات‌های سرمایه‌گذاران، مدیران، بنگاه‌ها و همانند‌های ثروتمند آنها نه تنها درآمد آنها را افزایش می‌دهد بلکه رشد گسترده اقتصادی را تحریک می‌کند؛ چراکه آنها فرصت‌هایی را نیز برای شکوفایی اقتصادی دیگران ایجاد می‌کنند.

این باور که در دکتترین ریگان - تاچر در قالب خصوصی سازی همه جانبه و کالائی کردن تن و جان احاد مردم شدت گرفت اگرچه موجب کاهش نرخ‌های مالیات ثروتمندان شد اما فجایع زیست محیطی و شدت نابرابری را به ارمغان آورد مضافاً واقعیت‌های آماری و مستندات و شواهد عینی که پایه تحقیقات برخی اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول قرار گرفته متضمن آن است که به جای تمرکز بر کاهش مالیات ثروتمندان، باید بر افزایش درآمد طبقات فقیر و متوسط تمرکز کرد.

«افزایش شکاف نابرابری درآمدی چالش تعیین‌کننده زمان ما است.» در اقتصادهای پیشرفته، این شکاف بین فقیر و غنی در بالاترین سطح خود از دهه‌های گذشته و به‌ویژه در دوران کرونایی قرار گرفته است. بر اساس پژوهش صندوق بین‌المللی پول، بالا بردن درآمد فقرا اثرات بسیاری بر اقتصاد جهان دارد. یک درصد افزایش درآمد آنها به ۳۸/۰ درصد رشد تولید می‌انجامد. البته مطالعه صندوق بین‌المللی پول با انتقادهایی هم همراه شده است. این مجموعه اطلاعات از بازه بزرگی از کشورها تهیه شده که داده‌های برخی از آنها قابل دسترس تر از دیگران بوده است. همچنین، نابرابری در کشورهای در حال توسعه با کشورهایی که اقتصاد پیشرفته دارند، تفاوت‌های عمده ای دارد. استفانو اسکارپتو، مدیر هیات مدیره بخش اشتغال، کار و امور اجتماعی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی می‌گوید که نتیجه‌گیری اصلی کتاب تازه چاپ شده این سازمان که «با هم به پیش، چرا نابرابری کمتر به نفع همه است» نام دارد، این است که رشد اقتصاد بیش از هر چیزی از اثرات نابرابری درآمدهای ۴ دهک پایین جامعه آسیب می‌بیند.

او معتقد است «افزایش نابرابری باعث کاهش ظرفیت طبقات درآمدی پایین جامعه برای سرمایه‌گذاری در تحصیل می‌شود و این امر به تاثیرات منفی افزایش نابرابری بر رشد می‌افزاید، اتفاقی که مورد تاکید پژوهشگران صندوق بین‌المللی پول نیز بوده است. این امر برای کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی کاملاً مصداق دارد».

تجربه جهانی موید آن است که اگر توزیع درآمد به نحو صحیح



درآمدهای نفتی باید درآمدهای مالیاتی کافی وصول شود البته بطور طبیعی نباید افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق اخذ مالیات از مودیان خوش حساب صورت گیرد.

اضافه بر این گسترش پایه‌های مالیاتی لازمه افزایش درآمدهای مالیاتی است. در این مسیر پیاده سازی طرح جامع مالیاتی و بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارائه خدمات الکترونیکی نقش مهمی در جلوگیری از فرارهای مالیاتی دارد.

بسی تردید راه اندازی طرح جامع مالیاتی و تمهیدات دیگری از قبیل نصب سامانه‌های صندوق فروشگاه‌ها و سامانه مودیان باعث خواهد شد مالیات‌ها بر اساس اطلاعات متقن و دقیق اخذ شود. تحقق این هدف چند مزیت عمده دارد. مالیات ستانی بر اساس اطلاعات متقن به دست آمده از پایگاه‌ها و سامانه‌های اطلاعاتی از یک طرف به گسترش پایه‌های مالیاتی خواهد انجامید و راه را بر فرار مالیاتی خواهد بست و زمینه مساعدی را برای دستیابی به درآمدهای پایدار برای تامین هزینه‌های عمومی و عمرانی فراهم خواهد کرد. از طرف دیگر، تحقق این مهم، رعایت عدالت مالیاتی و در نهایت افزایش رضایتمندی مودیان از شیوه مالیات ستانی را در پی خواهد داشت.

براساس یک گزارش علمی - پژوهشی به نام «بررسی رابطه مالیات و رشد اقتصادی، مطالعه موردی ایران و کشورهای عضو اوپک و سازمان همکاری‌های اقتصادی» طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۲ هیچ رابطه تعادلی بلندمدتی بین مالیات و رشد اقتصادی برای ایران وجود نداشته است. این امر نیز در واقع نشان‌دهنده اتکای اقتصاد این کشورها به درآمدهای نفتی می‌باشد.

اگر چه تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی کسانی نشان داده که فقدان نظام کارآمد مالیاتی و نرخ ناچیز مالیات ثروتمندان و شرکت‌های بزرگ شاخص نابرابری را در کشورهای صنعتی بشدت افزایش داده است اما واقعیت آن است که مالیات به درآمد «سود» تعلق می‌گیرد لذا دولت‌ها باید کوشش کنند زیر ساخت‌های کسب و کار را به‌طریقی فراهم آورند که با رونق کسب و کارها درآمدهای مالیاتی آنان نیز افزایش پیدا کند. فقدان حکمرانی مالیاتی سبب شده که در ایران ۸۰ درصد مالیات را ۲۰ درصد مودیان پرداخت کنند؟!

در حالی که در هر نظام اقتصادی، مالیات یکی از مهم‌ترین ارکان آن نظام محسوب شده و گسترش و تنوع فعالیت‌های اقتصادی از یک سو و نقش روبه افزایش دولت‌ها از سوی دیگر، در جهت ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی و گسترش تعهدهای دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسأله مهم و تأثیرگذار تبدیل کرده است. دولت‌ها با استفاده از این



اجرا شود و از افراد ثروتمند مالیات گرفته شود، به توزیع درآمد و عدالت اجتماعی کمک موثری خواهد شد ولی اگر درآمدهای دولت از افراد کم درآمد جامعه باشد و بیشتر هزینه‌های دولت نیز برای افراد ثروتمند جامعه باشد، نابرابری اجتماعی و کند شدن رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. در حقیقت درآمدهای مالیاتی نقش بسیاری در تعدیل ثروت و درآمد، عدالت اجتماعی و جلوگیری از نابرابری‌های درآمدی به وسیله توزیع مجدد آن دارد و از ابزارهای مهم در اجرای سیاست‌های دولت در مقابله با بحران‌های اقتصادی محسوب می‌شود.

در نهایت گفتنی است با توجه به این که درآمدهای مالیاتی، تأثیر شگرفی بر تحقق عدالت اقتصادی دارد، ضروری به نظر می‌رسد که با گسترش فرهنگ پرداخت مالیات در سطح جامعه و شناخت اهمیت آن در توزیع درآمد، ایجاد عدالت اجتماعی و از بین بردن فاصله‌های طبقاتی، آن را جایگزین اقتصاد متکی بر نفت کرده و بسترهایی به وجود آید تا مالیات دهی بخشی از وظایف و تکالیف مهم آحاد جامعه تلقی گردد.

### طرح جامع نظام مالیاتی

سازمان مالیاتی کشور با ارائه آمار و اعداد ادعا دارد حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشور از پرداخت مالیات طفره می‌روند و در حال حاضر جامعه کار و تولید کشور «حقوق بگیران» جزء مودیان خوش حساب محسوب می‌شوند اما برخی اشخاص با وجود درآمدهای کلان از پرداخت مالیات امتناع می‌کنند. برای کاهش اتکای بودجه به



ابزار، توانایی تأمین بخش قابل توجهی از هزینه‌های مختلف خود را به دست آورده و متناسب با حجم مالیات ستانی قادر خواهند بود که منبع در اختیار را براساس اولویت‌های مورد نظر تخصیص دهند. همین طور برنامه‌ریزان اقتصادی بر مبنای درآمدهای قابل کسب - از طریق به‌کارگیری این ابزار - می‌توانند ارزیابی مؤثری نسبت به سطح قابل تصور منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری آینده به عمل آورند. بررسی منصفانه وضعیت اقتصادی نشان داده که مهمترین عامل واپسگرایی اجتماعی - اقتصادی در کشوری که مرتب شعار عدالت داده می‌شود عدم درست تخصیص منابع و ایجاد سیستم کلیتوکراسی در اقتصاد بوده است. شاخص رتبه بندی اقتصادی نشان می‌دهد ایران تا سال ۱۹۸۶ با افزایش فروش و قیمت نفت به رتبه ۴ ثروتمندترین کشور آسیا ارتقا پیدا کرده بوده و از کشورهای کره جنوبی، اندونزی، عربستان و ترکیه و... ثروتمندتر بوده است، اما سپس اثرات انقلاب، جنگ و تحریم و غارت منابع کشور همراه با خروج سرمایه از کشور «که بالغ بر ۱۸۰ میلیارد دلار طی سنوات ۱۳۹۹-۱۳۸۰» بوده، باعث می‌شود ایران ثروت و منابع مالیش را به شدت از دست بدهد بطوری که در حال حاضر ایران در میان ۱۰ کشور ثروتمند آسیا هم قرار ندارد و ترکیه و عربستان جای ایران را گرفته‌اند. و از همه مهم تر آنکه مسئولان برای پرکردن خلاء ناشی از غارت منابع به مالیات ستانی آن هم بهر طریق ممکن روی آورده‌اند. اگر براساس آمارهای جهانی برای ایجاد هر شغل رقمی بین ۲۵ تا ۳۰ هزار دلار در نظر بگیریم این حجم خروج سرمایه می‌توانسته حداقل معادل ۶ میلیون شغل در کشور ایجاد کند بویژه آن که در کشوری که به هر حشیشی متوسل می‌شود که به یک میلیارد دلار دسترسی پیدا کند این حجم خروج سرمایه «با توجه باینکه دارای بدهی خارجی درشتی هم نبوده» جز غارت و چپاول معنی دیگری ندارد.

در ادبیات مالیاتی منبعث از اقتصاد توسعه‌ای مولفه‌ها و مفروضات اساسی یک نظام کارآمد مالیاتی «حکمرانی مالیاتی» عبارت است از:

۱. رکن اصلی هر نظام مالیاتی موفق باید بر انصاف و عدالت مالیاتی استوار باشد.

۲. نظام مالیاتی باید مبتنی بر عدالت مالیاتی یعنی مالیات ستانی بر پایه «هر که بامش بیش، برفش بیشتر» و پرداخت مالیات مساوی از درآمدهای مشابه است.

۳. امر مالیات ستانی نمی‌تواند بودجه‌ای باشد؛ بلکه بنیاد اخذ مالیات بر سود حاصل از مبادلات اقتصادی است و در شرایط سقوط اقتصاد نمی‌توان از واحدهای کسب و کاری که فاقد فعالیت یا توقف فعالیت هستند، همچون گذشته مالیات گرفت.

۴. مالیات بیشتر باید با گسترش پایه‌های مالیاتی و بسط چتر مالیاتی و شناسایی مالیات‌گرایان و اخذ قاطعانه مالیات از آنها در هر لباس و مقام باشد و در امر مالیات ستانی، جراح عالیقدر و ورزشکار ملی و هنرمند نامی همچون یک حقوق‌بگیر عادی، همگان مؤدی مالیاتی تلقی می‌شوند و عناوین و مدرک تحصیلی معافیت بردار نیست. زیرا نتیجه فعالیت آن مهندس و تکنیسینی که در آتش آبادان و عسلویه بزرگ‌ترین پالایشگاه و پتروشیمی کشور را برای توسعه اقتصادی راه‌اندازی کرده و خون در رگ‌های اقتصاد کشور وارد می‌کند و جامعه‌ای را از بیکاری و فقر نجات می‌دهد، بسیار بیشتر از نقش فلان ورزشکار یک‌بارمصرف یا فلان جراح است که حداکثر در خوش‌بینانه‌ترین فرض، جان یک یا چند نفر را نجات می‌دهد.

۵. در امر مالیات ستانی وجود یک نظام کارآمد کم‌هزینه فرض اولیه است. مولفه‌های این نظام کارآمد با شاخص‌های خاصی ارزیابی می‌شوند. این شاخص‌ها علاوه بر بیان کارآیی و عملکرد نظام مالیاتی، ترکیب درآمدهای تعیین‌کننده مخارج و هزینه‌های دولت را نیز مشخص می‌کند.

شاخص‌هایی مانند نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و سهم درآمدهای مالیاتی از کل هزینه‌های جاری، از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی یک نظام مالیاتی است. وصول هر چه بهتر مالیات در هر کشور نیازمند سیستم‌های دقیق و کارآمد است، به گونه‌ای که هر چه سیستم‌های یادشده دقیق‌تر طراحی شود، ثمربخشی و کارآیی نظام مالیاتی افزایش می‌یابد. بنابراین برای بهره‌مندی هر چه



خریداری شده آنان در واقع نه تنها همه ساله سودی تعلق نمی گیرد که معادل نرخ تورم با نرخ سود دریافتی نیز یارانه به بانکها «که دولتی و عمومی» هستند، پرداخت می کنند.

۸. گر کلیه پرداخت های شهروندان که بابت ارائه کلیه خدمات دولتی پرداخت می کنند شامل مالیات، عوارض شهرداری و حق بیمه تامین اجتماعی را همچون شاخص بانک جهانی، مالیات تلقی کنیم، بر اساس نماگرهای بانک مرکزی در بعد انقلاب تا کنون نسبت درآمدهای مالیاتی به درآمد ناخالص ملی در بهترین سالها معادل ۱۳ تا ۱۶ درصد بوده که اگر چه با متوسط همین شاخص در کشورهای منطقه «۲۰ درصد» تفاوت دارد اما حکایت از موج مالیات بگیری در سالهای ۱۳۹۵ نیز دارد بطوریکه برای اولین بار درآمدهای مالیاتی بیش از درآمدهای نفتی شده است!؟

در ترکیه به عنوان یکی از کشورهایی که شباهت های زیادی از نظر حجم اقتصاد و جمعیت با کشور ما دارد نسبت درآمدهای مالیاتی به درآمد ناخالص حدود ۲۴ درصد است. یعنی چنانچه تولید ناخالص داخلی کشور را در شرایط فارغ از تحریم معادل ۴۵۰ میلیارد دلار برآورد کنیم با فرض مالیات ستانی عادلانه بر مبنای ۲۰ درصد تولید ناخالصی داخلی باید درآمد مالیاتی کشور دست کم ۹۰ میلیارد دلار یا به تعبیری ۲۲۵۰ هزار میلیارد تومان باشد. این را در مقابل مبلغ ۱۹۲۹ هزار میلیارد ریال مالیات دریافتی سال ۱۳۹۹ تا ۱۳۹۴ بوده است. اما نگاهی به حداقل مزد در ترکیه و ایران که باعث مهاجرت کارگران ماهر ایرانی به کشورهای منطقه و ترکیه شده خودگویای مصارف مالیات ستانی در این دو کشور می باشد.

۹. توسعه اجتماعی-اقتصادی با معافیت مالیاتی و گمرکی این یا آن نهاد اقتصادی و غیراقتصادی که همگی ردای فعال اقتصادی برتن کرده اند، تحقق نمی یابد. بنابراین باید عقلای قوم بر آن شوند همه معافیت ها را لغو کنند و مالیات برخی نهادهایی که امر حاکمیتی را انجام می دهند به صورت جمعی-خرجی درآید (یعنی مالیات را پرداخت کنند و سپس معادل مالیات پرداختی به آنان در قالب بودجه تخصیص یابد و مسترد شود)، تا شفافیت اقتصادی بر همه زوایای اقتصاد کشور مستولی شود و تاریخ خانه های اقتصادی هم زیر نورافکن مالیاتی روشن شوند.

۱۰. نظام مالیاتی و کارکردهای درونی آن در ایران وقتی می تواند در مسیر صحیح خود قرار گیرد که بتواند بر رشد اقتصادی جامعه تأثیرگذار باشد. لذا مالیات نباید صرفا به عنوان یک هدف درآمدی مدنظر قرار گیرد و نقش آن به عنوان یک منبع درآمدی در چارچوب توسعه اقتصادی باید تبیین شود و نه در جبران کسری بودجه دولت.

به نقل از نشریه چشم انداز ایران، شماره ۱۳۰



بیشتر از درآمدهای مالیاتی که به طور نسبی از کمترین نوسان های داخلی و خارجی برخوردار است باید با هدف اصلاح نظام مالیاتی کشور، بر تدوین طرح جامع مالیاتی نظارت هر چه دقیق تر و بهتری شود.

۶. مالیات و جوه اخذ شده از شهروندان به منظور تامین خواسته های برحق شهروندان همچون برقراری امنیت، آموزش و پرورش همگانی، تامین سلامت و بهداشت اولیه شهروندان، حفاظت از محیط زیست و... است؛ بنابراین نمی توان منابع مالیاتی را مصروف برنامه های سیاسی کرد که شهروندان رغبتی بدان ندارند. شهروندان توسعه را به معنی به ارمغان آوردن رفاه اجتماعی برای همه قشرهای جامعه می دانند و می گویند وقتی از رفاه اجتماعی و اقتصادی برخوردار می شویم که توزیع درآمدها به صورت عادلانه صورت گیرد تا همه شهروندان بتوانند نیازهای اقتصادی خود همانند مسکن، غذا، بهداشت و رفاه را تامین کنند.

۷. شهروندان انتظار دارند دیوان محاسبات عمومی (سازمان پاسخگویی به ملت) به عنوان چشم بیدار ملت همه ساله گزارش خرج کرد دولت را به طور شفاف و روشن خطاب به ملت افشا و منتشر کند زیرا مالیات دهندگان علاقه مندند بدانند منابع مالی آنان چگونه مصروف شده است. در چنین حالتی شهروندان خود در امر مالیات ستانی شریک می دانند. علم اقتصاد به ما می آموزد که در شرایط اقتصادی با تورم دورقمی این مردم هستند که به دولت یارانه و سوبسید اعطا می کنند زیرا به سپرده های بانکی یا اوراق مشارکت



## سرمایه‌گذاری بلندمدت در ارزهای دیجیتال چگونه راحت‌تر هودل کنید؟

به دنبال راهی هستید که با آرامش خیال از بابت دارایی‌های خود، بتوانید به بقیه امور زندگی‌تان برسید، توصیه می‌کنیم مطالبی را که در ادامه خواهیم گفت به هیچ وجه از دست ندهید.

ما در این مقاله و با کمک مطالب منتشر شده در وبسایت کوین تلگراف، موضوع هودل کردن را به بحث می‌گذاریم و به این سؤالات پاسخ می‌دهیم که، آیا هودل کردن کاری منطقی است؟ اگر بخواهیم هودل کنیم بهترین جا برای نگهداری دارایی‌هایمان کجاست؟ آیا در عین هودل کردن، می‌توانیم از راه‌های دیگری نیز به سود برسیم؟ پس همراه ما باشید تا درباره هر یک از این موارد،

یکی از کم‌ریسک‌ترین یا به عبارتی کم‌دردسرتترین روش برای درآمد از دارایی‌های دیجیتال، نگهداری از آنهاست. این موضوع که در بازار کریپتو با اصطلاح هودل کردن (HODL) از آن یاد می‌شود، داستانی عجیب و جالب در پس‌زمینه خود دارد. ماجرابی که با یک اشتباه‌تایی شروع شد و همین ایراد به‌ظاهر بی‌اهمیت موجب به‌راه‌افتادن یک طرز فکر و گرایش سفت‌وسخت نسبت به ارزهای دیجیتال شد. هودل کردن همیشه موضوعی داغ و جذاب بوده و همواره درباره آن بحث‌های مختلفی وجود دارد. اگر شما هم از بازار پرنوسان ارزهای دیجیتال خسته شده‌اید و





گفت و گو کنیم.

هودل امتحانش را پس داده است! شواهد و تاریخچه قیمتی ارزهای دیجیتال از ابتدا تا به امروز نشان می‌دهد که موضوع هودل کردن، رویکردی مناسب و سودآور به شمار می‌آید. با آنکه در نگاه اول شاید نگهداری دارایی‌های دیجیتال موضوعی کم‌هیجان به نظر برسد، هودل ارزهای دیجیتال برای طولانی‌مدت، کم‌ریسک‌ترین استراتژی ممکن است. بازار ارزهای دیجیتال به‌طور روزانه در نوسان است و تلاش برای زمان‌بندی بازار امری غیرمنطقی به نظر می‌رسد.

در واقع، چنین موضوعی درباره سایر بازارهای مالی نیز صدق می‌کند. اخیراً یک تحقیق این موضوع را بررسی کرده است که اگر فردی در سال ۲۰۰۶ مبلغ ۱۰ هزار دلار در سهام شرکت‌های موجود در فهرست اس‌اندپی ۵۰۰ (S&P ۵۰۰) سرمایه‌گذاری می‌کرد، هم‌اکنون برای سرمایه‌اش چه اتفاقی رخ می‌داد و آن فرد چه میزان سود به دست می‌آورد. بر همین اساس به سناریوهای مختلف، نگاهی انداخته شده است.

اگر فردی زمان زیادی را صرف این سرمایه‌گذاری کرده و از تمام فرصت‌های آن استفاده کرده باشد، در نهایت سرمایه‌اش در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۰ به ۴۱,۱۰۰ دلار رسیده است. با فرض از دست دادن ۱۰ روز برتر بازار در این بازه، ارزش این سرمایه‌گذاری به ۱۸,۸۲۹ دلار کاهش می‌یابد؛ یعنی ۲۲,۲۷۱ دلار کمتر از آنچه برآورد شده است.

ورود و خروج پی‌درپی از بازار ارزهای دیجیتال نیز با ریسک از دست دادن روزهای خوب بازار همراه است. بارها دیده‌ایم که چطور بیت‌کوین و اتر در عرض چند ساعت بازده چشمگیر دو رقمی از خود به جای گذاشته‌اند. از سوی دیگر فروش هیجانی و ناشی از ترس و اطمینان‌نداشتن،

قیمت خود نیز فاصله گرفته‌اند؛ در این شرایط چه باید کرد؟ پاسخ این پرسش تنها یک کلمه است؛ صبر.

بله درست است که در برخی از سال‌ها شاهد کاهش یا سکون مقطعی یک ارز دیجیتال بوده‌ایم؛ اما وقتی که با دید بلندمدت به موضوع نگاه می‌کنیم مشخص است که دارایی ما روندی صعودی را طی کرده و نه تنها چیزی از سرمایه اولیه ما کم نشده، بلکه هر زمان هم که بخواهیم آن را به پول نقد تبدیل کنیم سود قابل‌قبولی را به دست آورده‌ایم، آن هم با کمترین استرس، ترس و نگرانی.

کاملاً بدیهی و قابل درک است که راضی‌نگه‌داشتن خود برای دست‌نزدن به دارایی‌های دیجیتالی، کار آسانی نیست. سرمایه‌گذارانی که نظم و انضباط کافی ندارند، زمانی که قیمت‌ها شروع به ریزش می‌کنند، نمی‌توانند احساسات خود را کنترل کنند و دست به اقدامات نسنجیده‌ای می‌زنند.

ریسکی به مراتب بزرگ‌تر را برای یک سبد سرمایه‌گذاری به همراه دارد و می‌تواند موجب از دست رفتن دارایی افراد شود.

یافتن پروژه‌هایی که عمیقاً به آنها اعتقاد دارید و مقاومت در برابر ترس از دست دادن، راهبردی است که بارها و بارها درستی خود را برای سرمایه‌گذاران حوزه ارزهای دیجیتال اثبات کرده است؛ اما اگر به تغییرات قیمت ارزهایی مثل اتریوم، بیت‌کوین یا حتی بایننس‌کوین نگاهی بیندازیم، کاملاً متوجه می‌شویم که خرید و نگهداری از ارزهای دیجیتال در هر زمان به سودی بی‌دردرسر منتهی می‌شود.

دیگر نیاز نیست خود را آلوده هیجانانگیز کاذب کنید و استرس این را داشته باشید که سرمایه شما در چند ساعت یا چند روز دیگر تا چه میزان قرار است آب ببرد! شاید این موضوع به ذهن برخی برسد که سال‌هایی هم بوده‌اند که ارزهای دیجیتال رشد چندانی را تجربه نکرده‌اند و حتی از اوج تاریخی



این مکان‌ها از ایمنی بالاتری برخوردار است. به‌غیر از موضوعات امنیتی، نگهداری ارزهای دیجیتال در حساب یک صرافی، این حس را به وجود می‌آورد که این دارایی‌ها رشد نمی‌کند و وسوسه خرید و فروش به سراغ انسان می‌آید. باید درباره این موضوع مطمئن باشید که وقتی ارزهای دیجیتال خود را هودل می‌کنید، در واقع در حال پیشرفت هستید.

### هودل و دیفای

برنامه‌های سهام‌گذاری علاوه بر اینکه به روشی محبوب برای پرهیز از جنبه‌های منفی هودل کردن تبدیل شده است، طیف گسترده‌ای از امکانات را شامل می‌شود. حوزه امور مالی غیرمتمرکز یا دیفای (DeFi)، به تنهایی دنیایی از قابلیت‌ها را در خود جای داده است.

به بیان ساده موضوع سهام‌گذاری یا سپرده‌گذاری ارزهای دیجیتال در امور مالی غیرمتمرکز عملاً این امکان را در اختیار شما قرار می‌دهد که علاوه بر هودل کردن، بتوانید همزمان از افزایش قیمت این دارایی‌های دیجیتال نیز بهره ببرید.

دارایی‌های سهام‌گذاری شده می‌توانند بازدهی مناسبی داشته باشند؛ یعنی در طول زمان به ارزش آنها افزوده شود. این ویژگی به شما این اطمینان را می‌دهد که در حال پیشرفت هستید؛ در حالی که هیچ کاری انجام نمی‌دهید!

برای سهام‌گذاری گزینه‌های متعددی پیش روی شماست. می‌توانید از طریق کیف پول نرم‌افزاری بخشی از دارایی خود یا تمام آن را قفل کرده و از این طریق سود کسب کنید یا اینکه با ورود و مشارکت در کشت سود (Yield Farming) پروژه‌های دیفای و سپرده‌گذاری در صرافی‌های غیر متمرکز، از دارایی خود به شیوه‌ای متفاوت کسب درآمد کنید.



است که نگهداری دارایی‌ها توسط خود شخص به مراتب ایمن‌تر از صرافی‌ها است. آندریاس آنتونوپولوس (Andreas M. Antonopoulos)، کارآفرین برجسته و متخصص بلاک چین یونانی-بریتانیایی، در ارتباط با تأکید بر حفظ و نگهداری دارایی‌های دیجیتالی توسط خود افراد، نقل قولی دارد که می‌گوید:

کلیدهای تو؛ بیت کوین تو

زمانی که اختیار کلیدهای [خصوصی] خود را نداری، دیگر بیت کوین‌هایت هم متعلق به تو نیست.

البته در این میان برخی از کارشناسان هم هستند که مشکلات موجود در کیف پول‌های سرد و گرم را مطرح می‌کنند و حتی مدعی هستند که کیف پول‌های سخت‌افزاری هم چندان مطمئن نیست. از سوی دیگر آنها اعتقاد دارند ویژگی‌هایی نظیر دسترسی آبی‌پی‌های تأیید شده (Whitelist IP) به صرافی‌ها، بیمه بودن دارایی‌ها و... از جمله موارد برتری صرافی‌های ارز دیجیتال بوده و بر این باور هستند که نگهداری دارایی در

به لحاظ احساسی هودل کردن کار دشواری است و برای اینکه از نوسانات بازار شوکه نشوید، به صبر و دید بلندمدت نیاز دارید.

در کیف پول هودل کنیم یا صرافی؟ لزوم توجه به خطراتی که استفاده از کیف پول صرافی‌ها به همراه دارد، هم موضوع مهمی است. ما در این رابطه شاهد رخدادهای متعددی بوده‌ایم؛ سرمایه‌گذارانی که ارزهای دیجیتال خود را در صرافی‌ها ذخیره کرده‌اند؛ اما به دلیل حملات هکرها آنها را از دست داده‌اند. یکی از بدترین موارد در ارتباط با صرافی مت‌گاکس (Mt.Gox) اتفاق افتاد. این صرافی از سوی هکرها مورد حمله قرار گرفت و سرمایه‌های کاربران به سرقت رفت. اکنون پس از گذشت هفت سال، هنوز هم قربانیان این حادثه منتظر دریافت غرامت از این صرافی ورشکسته هستند.

بر اساس آمار به‌دست‌آمده از سایت هکرنون، ارزهای دیجیتالی به ارزش ۱.۶ میلیارد دلار از صرافی‌ها به‌وسیله هکرها به سرقت رفته است. بنابراین کاملاً واضح



سهام‌گذاری بازاری بسیار پراکنده است؛ اما شما می‌توانید با یک چک‌لیست آسان از الزاماتی که باید بررسی کنید، به راحتی پلتفرم‌ها را ارزیابی کنید.

در ابتدا باید بفهمید که آیا یک پلتفرم از توکن یا ارز دیجیتال مدنظر شما پشتیبانی می‌کند یا خیر. اغلب این پلتفرم‌ها گزینه‌های بسیار کمی در این زمینه ارائه می‌دهند؛ اما تعدادی از آنها نیز از طیف وسیعی از دارایی‌ها پشتیبانی می‌کنند. پلتفرمی که چنین ویژگی داشته باشد به شما امکان می‌دهد که سرمایه‌های خود را در یک مکان نگهداری کنید.

در گام بعدی، باید بررسی کنید که یک پلتفرم سهام‌گذاری تا چه حد غیرمتمرکز است و آیا قابل اعتماد هست یا خیر. پروژه‌هایی را که برای برنامه‌های سهام‌گذاری، فهرست شده‌اند پیدا کرده و بررسی کنید که آیا حداقل بازدهی درصدی سالیانه (APY) تضمین شده است یا خیر؟ آخرین کاری که باید انجام دهید این است که پروژه‌ها و شرکت‌هایی را که بازدهی‌های اغراق‌آمیز تبلیغ می‌کنند کنار بگذارید؛ چراکه چنین بازدهی‌هایی هیچ‌گاه محقق نمی‌شود. همچنین ببینید آیا پلتفرم موردنظر مزایای اضافه‌ای دارد یا خیر. برخی پلتفرم‌ها ایردراپ‌هایی (Airdrop) ارائه می‌دهند و برخی دیگر، مجموعه‌ای از گزینه‌های متنوع‌سازی خودکار. همه این‌ها به شما امکان می‌دهند بیشترین بهره‌برداری را از ارزهای دیجیتال خود داشته باشید. این کار تنها با یافتن ارزهای دیجیتالی که چشم‌انداز بلندمدت آنها اطمینان‌بخش باشد به دست خواهد آمد.

به طور کلی سهام‌گذاری توکن‌ها در جایی که دور از دسترس شما قرار داشته باشد، احتمال فروش عجولانه و ناشی از ترس را از شما می‌گیرد. در عین حال توکن‌ها هم در یک صرافی ذخیره نمی‌شوند که این موضوع نیز بخواهد موجب به‌خطر افتادن سرمایه شما شود.

قطعاً راحت‌ترین روش، هودل کردن است. راهبرد HODL دارایی‌های دیجیتال، برای افرادی که تمایل ندارند مدام درگیر خرید و فروش باشند و دانش کافی هم از تحلیل‌های تکنیکال ندارند، می‌تواند گزینه مناسبی باشد. البته انتخاب صحیح محل نگهداری ارزهای دیجیتال هم موضوع مهم دیگری است که هودلرها باید به آن توجه کافی داشته باشند.

با آنکه هودل کردن چندان مهیج و چالش‌برانگیز نیست؛ می‌توان سهام‌گذاری و مشارکت در دیفای را چاشنی آن کرد. گزینه‌ای که می‌تواند علاوه بر خشتی کردن و سوسه برای خرج دارایی‌های دیجیتالی، سود مناسبی را هم در جیب‌تان بگذارد.

با آنکه پذیرش ارزهای دیجیتال روزبه‌روز در حال گسترش است؛ انتخاب گزینه درست برای هودل کردن و تحقیق در خصوص آینده‌دار بودن دارایی موردنظر یکی از الزامات بسیار مهم برای خرید و نگهداری طولانی‌مدت ارزهای دیجیتالی به شمار می‌رود.

با این حال عاقلانه‌ترین کار این است که اعتبار یک برنامه سهام‌گذاری را ارزیابی کرده و از ویژگی‌های امنیتی آن اطمینان حاصل کنید. البته باید گفت، واضح است که پلتفرم‌های غیرمتمرکز از امنیت بیشتری برخوردار هستند.

قفل کردن توکن‌هایتان می‌تواند بخشی از فشارهای ذهنی ناشی از هودل کردن را از بین ببرد و در ضمن راهی برای افزایش سرمایه‌تان به شما ارائه کند. با توجه به نوعی بلاتکلیفی که در حال حاضر در بازار ارزهای دیجیتال مشاهده می‌کنیم، سهام‌گذاری این پتانسیل را دارد که به هودلرها آرامش ذهنی را که به شدت به آن نیاز دارند اعطا کند.

#### جمع‌بندی

اینکه می‌خواهید برخی از ارزهای دیجیتال را هودل کنید، کاملاً به شما و توانایی‌هایتان بازمی‌گردد. هر شخص بسته به دانش، ریسک‌پذیری و مهارت در ترید، می‌تواند انواع مختلفی از روش‌های کسب درآمد از دارایی‌های دیجیتالی را برگزیند؛ اما



گروه تخصصی حسابداران خیره

تلفن تماس: ۰۲۱۷۲۰۴۵

خدمات تامین اجتماعی



خدمات مالیاتی



خدمات حسابرسی



خدمات حسابداری





